



# انترناسیونال ۴۳۵

اساس سوسیالیسم  
انسان است.  
سوسیالیسم جنبش بازگرداندن  
اختیار به انسان است.



منصور حکمت

حزب کمونیست کارگری ایران

Worker-communist Party of Iran

جمعه ۲۳ دی، ۱۳ ژانویه ۲۰۱۲

www.m-hekmat.com

جمعه ها منتشر میشود

Fax: 001-519 461 3416 anternasional@yahoo.com

سر دبیر: کاظم نیکخواه



## اعتصاب نیجریه: اعتصاب عمومی در ایران!؟

دیوار يك پارچه نویسی بزرگ با عکس خامنه ای هست که میگوید: "مقام معظم رهبری: ترفند آمریکا برای شبیه سازی حوادث منطقه در ایران شکست خورد." این در واقع پیام شخص خامنه

در جریان "طرح ارتقای امنیت در شرق تهران" (بخوانید طرح اعلام وحشت رژیم از مردم) هفته گذشته، عکسی از دیوار ردیف شده اند. بر روی

ای به مردم از طریق "طرح ارتقای صفحه ۲

## سر پاسدار دیروز و ژورنالیست بنجل امروز



کاظم نیکخواه

## حاد شدن دعوای غرب و جمهوری اسلامی

متن مصاحبه کانال جدید با مصطفی صابر

دیگران روبرو شد. این البته تنهن آخرین نمونه حاکی از حاد شدن دعوای بین جمهوری اسلامی و دولت های غربی است. از مصطفی صابر صفحه ۹

حمید حق شناس: دیروز جمهوری اسلامی اعلام کرد که غنی کردن ۲۰ درصدی اورانیوم در "مجتمع فردو" را آغاز کرده و این با مخالفت ها و هشدارهای آمریکا و فرانسه و

## یک حرکت مهم در دفاع از کارتون خوابان

در سندج

شهرلا دانشفر  
نورافکن قرار گرفت: بنا به گزارش سایت اتحاد قضیه از این قرار بود که مظفر صالح نیا عضو هیات مدیره اتحادیه آزاد کارگران ایران سندج، یک حرکت اعتراضی زیر صفحه ۳

## مسئله مالکیت خصوصی!

متن مصاحبه تلویزیون کانال جدید با محسن ابراهیمی

محسن ابراهیمی  
مسئله مالکیت. مالکیت یعنی سیاست بهاری: بینندگان عزیز  
این برنامه را اختصاص داده ایم به صفحه ۷

## برای آزادی کارگران زندانی و همه زندانیان

سیاسی باید به میدان آمد

محمد آسنگران، صفحه ۸

## صفحات دیگر

نامه کمپین برای آزادی کارگران زندانی به سازمانهای

کارگری و نهادهای انساندوست در سراسر جهان

محمد حسینی از فعالین کارگری دماوند دستگیر شد

هزاران کارگر پتروشیمی های ماهشهر به

پیروزی نسبی رسیدند

صفحه ۱۱

شریف ساعد پناه و مظفر صالح نیا به حراست سپاه

در سندج منتقل شدند

چند خبر از اعتراضات کارگری در ایران

صفحه ۸

محسن سازگارا در فاصله زمانی نه چندان طولانی ای از يك پاسدار و کارگزار جمهوری اسلامی به يك ژورنالیست رسانه های فارسی زبان رسمی غرب تبدیل شد. اما مدتی است که مدیای دست راستی مثل صدای آمریکا و حتی امثال بی بی سی که گردانندگانش گرایشات آشکارا دوام خردادی دارند و به اخبار خانواده جمهوری اسلامی بسیار علاقمندند، کمتر این جناب و و کوپل ایشان نوری زاده را تحویل میگیرند. در گزارش یکی از رسانه ها آمده بود که صدای آمریکا این دو را اخراج کرده است. صحت و سقم و دلیلش را نمیدانم اما احتمالا سطح نازل تبلیغات این دو میتوانند به چنین تصمیمی منجر شده باشد. بعبارت دیگر جناب سازگارا هرچه هم در کار پاسداری جمهوری اسلامی استعداد های زیادی از خود نشان داده و حتی سپاه پاسداران را پایه گذاری کرده است، اما در ژورنالیسمش خراب کرده است. يك نمونه از کار این جناب اعلام يك "خبر" با همان افه های مضحك در يك ویدئوی تبلیغی است که روی یوتیوب گذاشته است. تمام حرف ایشان در این قسمت را که روز ۲۹ دی پخش شده منعکس میکنیم تا معلوم شود او چه میخواهد بگوید: او میگوید:

"آقای خامنه ای و پسر ایشان مجتبی مدتی است که بسیج مستضعفان را با آدمهایی مثل نقدی در راسش دارند تبدیل میکنند به حزب کمونیست آقای خامنه ای. و سعی میکنند که يك تشکیلات وسیع با اعضای متعدد و دخیل در امور سیاسی و در

صفحه ۲

## نزاع بر سر توصیف اقتصاد ورشکسته

بهرروز مهرآبادی، صفحه ۲

## کابوس "انتخابات"

شهاب بهرامی، صفحه ۱۰

## نامه سرگشاده مینا احدی به کاترین اشتون، مسئول

سیاست خارجی اتحادیه اروپا

صفحه ۱۲

## جنگ در سنگر دانشگاه آزاد

محمد شکوهی، صفحه ۱۰

## بازتاب هفته

قربانی ای دیگر در شطرنج هسته ای رژیم

بهرروز مهرآبادی

رویدادهای منطقه در یک نگاه

محمد شکوهی

نمایش انتخاباتی و اصولگرایان شرمگین!

هادی وقفی

رسوایی "ضد امپریالیستها

یاشار سهندی

صفحات ۵-۴

آزادی، برابری، حکومت کارگری!

## سر پاسدار دیروز و ...

واقع درست به مشابه احزاب کمونیست در بیارند. شکل بدهند که به این وسیله بلکه بتوندند بر کشور حکومت کنند"

آنچه را اینجا آوردیم بخشی از یک بحث مفصل تر نیست. این تمام حرف او در این قسمت است. خوب.. هر آدم جدی ای که این به اصطلاح خبر را از زبان سازگارا میشنود به فرض که از اصل خبر هم هیچ اطلاعی نداشته باشد متوجه احمقانه بودن و ناشیانه بودن این نوع خبر رسانی و تبلیغ خواهد شد. اولاً سازگارا در این تبلیغ نشان میدهد که هنوز به بسیج وفادار است و ناراحت است که این ارگان جنایت دارد به ارگانی در خدمت خامنه ای تبدیل

## از صفحه ۱

میشود. (گویا قبلاً نبوده است!) ثانیاً هرکسی متوجه میشود که این شخص قرار بوده است علیه کمونیستها تبلیغ کند و بطور بسیار مصنوعی و ناشیانه ای نام احزاب کمونیست را وارد یک خبر مربوط به بسیج کرده است. اولین عکس العمل هر آدمی با عقل متوسط اینست که اگر ذره ای به این شخص اعتمادی داشته، از دست میدهد. بعلاوه آنجا هم که میخواند علیه کمونیستها تبلیغ کند احزاب کمونیست را احزابی "با اعضای متعدد و دخیل در امور سیاسی" تصویر میکند. یعنی بر خلاف تمایل خود و روسایش به نفوذ کمونیسم اعتراف میکند. اما سازگارا چه میخواهد بگوید؟ او

میخواهد کمونیستها را بطور باسسه ای در کنار اوباشان جمهوری اسلامی قرار دهد و از این طریق به سوی آنها لجن پرتاب کند. در این مورد هم سازگارا فقط سفاهت و حماقت خود را نشان میدهد. آخر کسی با سابقه و پرونده او واقعا اگر عقل معاش هم داشته باشد وارد این نوع جدال با نیروهایی که با کل نظام کثیف حاکم سر جنگ داشته اند و دارند" نمیشود. او واقعا بهتر بود سرش را پایین می انداخت و به مردمی که او را میشناسند نشان میداد یا حداقل وانمود میکرد که از گذشته خود شرمگین است. نه اینکه با وقاحت دست به خبرسازی و لجن پراکنی علیه کمونیستها که وسیعاً در ایران محبوبیت دارند بزند. کسی که سابقه سالهای سال همکاری در

سطح بالا با جمهوری جنایت اسلامی را در پرونده خود دارد، کسی که حنایتکارترین ارگان سرکوب این حکومت منفور را سازمان داده است، کسی که وزیر و کار بدست و دخیل در همه امور این حکومت و شخص خامنه ای و شخص خمینی و خاتمی و رفسنجانی و بقیه بوده است و در این زمینه پرونده های اثبات شده ای دارد، و تازه در دوره "اپوزیسیون" شدنش هم از یک جناح حکومت که بازگشت به دوره خمینی را هدف قرار داده حمایت میکند، روشن است که آدم صاحب صلاحیتی برای این نیست که با پرتاب یک لجن اسلامی به سوی کمونیستها آنها را بی اعتبار کند. او در آمریکا نشسته است و در مکتب ضد کمونیستهای دست راستی درس خوانده و حال با

یک کپی برداری ناشیانه از تبلیغات جریانات راست و ضد کمونیست در آمریکا، میخواند کمونیسم را در ایران بی اعتبار کند! و این نیز از سفاهت اوست که متوجه تفاوتها نیست. او میداند که کمونیسم در ایران یک جریان محبوب است. چپ در ایران قوی است. پایه اجتماعی دارد. و دقیقاً به همین دلیل علیه کمونیستها لجن پراکنی میکند. اما متوجه نیست که کسی نمیتواند با این نوع تبلیغات باسسه ای یک جنبش با نفوذ را بدنام کند. آنها کسی با آن سابقه و پرونده افتضاح و پراز کثافت. تازه در خود غرب هم مدتهاست که این نوع تبلیغات جنگ سردی به شکست مفتضحانه ای رسیده و سردمدارانش به انزوا رانده شده اند. \*

## اعتصاب نیجریه: اعتصاب عمومی در ...

از صفحه ۱

باشد. این اعتصاب عمومی که به دنبال حذف یارانه ها و علیه گرانی سرسام آور به دعوت اتحادیه های کارگری شکل گرفت، امروز (۵ شنبه ۱۲ ژانویه ۲۰۱۲) چهارمین روز خود را میگذراند و همچنان در صدر اخبار جهان قرار دارد. اعتصابی که علیرغم حکومت نظامی و کشتار تظاهر کنندگان ادامه یافت و بنظر میرسد گسترش یابد. از جمله کارگران نفت نیجریه گفته اند که از روز یکشنبه تولید نفت را متوقف میکنند. موضوعی که حکومت نیجریه را در مخمصه جدی قرار خواهد داد... و مردم ایران، لاقول اکثریت

امنیت اوباش مسلح اش است. کابوس هر شب خامنه ای و دیگر سران رژیم اسلامی دقیقاً همین است که مردم ایران با الهام از مصر و تونس و سوریه و دیگر "حوادث منطقه" برای پایین کشیدن دیکتاتور انقلاب کنند. و یا مثلاً جنبش "۹۹ در صدی ها" و شعار "اشغال" که آنطرف دنیا سر داده میشود توسط کارگران و مردم ایران دست گرفته شود و خیابانها و دانشگاه ها و کارخانه ها به "اشغال" آنان درآید.

از آخرین نمونه های نگرانی های "مقام معظم رهبری" در مورد "شبیه سازی حوادث منطقه" در ایران قطعاً باید اعتصاب عمومی در نیجریه

عظیم در شهرها، پای تلویزنها و کامپیوتر و میدیای اجتماعی نشسته اند و اخبار جهان را بدقت دنبال میکنند. آنها هم که خود مستقیماً خبر را نمی گیرند در تاکسی و اتوبوس و در مدرسه و محل کار از عابرین و همکاران و همکلاسان میشنوند: "شنیدید که تو نیجریه مردم علیه حذف یارانه ها اعتصاب کردند؟... وجه هیجان انگیز قرن بیست و یکم این است که دنیا بهم وصل است. اعتصاب عمومی علیه گرانی در نیجریه بی تردید این ایده را در ذهن بسیاری مطرح میکند که "آیا نباید در ایران هم علیه گرانی اعتصاب عمومی کرد؟"

طبعاً اعتصاب عمومی کار

ساده ای نیست و ملزومات سیاسی و سازمانگری زیادی میخواهد. مهمتر از همه جو و شرایط عمومی باید مهیا باشد. اما نباید چند نکته را در این ربطه از نظر دور داشت. اول اینکه اوضاع اقتصادی در ایران بسیار وخیم است. بخصوص بدنبال تحریم های اخیر غرب علیه جمهوری اسلامی دیگر گرانی و فلاکت از مرز مطلقاً غیر قابل تحمل هم گذشته است. دوم اینکه اعتصابات و اعتراضات کارگری گرچه هنوز پراکنده اما وسیع شده و وسیعتر میشود. سوم اینکه مردم همه میدانند که این رژیم عمری برایش باقی نمانده و با وحشت و استیصال برای بقاء دست و پا میزند. مردم مترصدند تا فرصتی

بدست آورند و شر "مقام معظم ولایت" و کل رژیم اسلامی را کم کنند. تحت این شرایط اعتصاب عمومی علیه گرانی زمینه پیدا میکند و باید ایده آنرا جدی تر از گذشته مطرح کرد. باید در هر محفل و اجتماع، در هر کلاس درس و کارخانه در باره آن حرف زد و گفتن عمومی و اجتماعی در باره اعتصاب عمومی علیه گرانی را راه انداخت. این اولین و مهم ترین قدم برای کسب آمادگی و پیش شرط سازمان دادن عملی و واقعی اعتصاب عمومی است. با توجه به اینها فرصتی که اعتصاب در نیجریه فراهم کرده است را نباید از دست داد. ۱۲ ژانویه ۲۰۱۲ \*

## نزاع بر سر توصیف اقتصاد

## ورشکسته

## بهروز مهرآبادی



اسداله عسگر اولادی رئیس اتاق بازرگانی ایران و چین و یکی از بزرگترین سرمایه داران جمهوری اسلامی در مصاحبه ای گفت: "در شرایطی که تورم ۴۰ درصد است و بانک مرکزی هم آمار نمی دهد، مرحله دوم اجرای قانون هدفمند کردن یارانه ها به مصلحت نیست". او اضافه کرد: "به نظر می رسد با توجه به واردات کالا با دلار ۱۶۰۰

است. اما خامنه ای روز دوشنبه ۱۹ دی ماه در جمع تعدادی از اوباش گردآوری شده از شهر قم گفت: "بر خلاف تصور و تحلیل های جبهه استکبار، نظام جمهوری اسلامی امروز نه تنها در شرایط شعب اییطلب نیست، بلکه در شرایط بدر و خیر قرار دارد."

قرار گرفتن رئیس بانک مرکزی در "جبهه استکبار" بخشی از اختلافات دو جناح اصلی در درون جمهوری اسلامی است. محمود بهمنی در همان مصاحبه با وجود ادعای داشتن ذخایر فراوان طلا وضعیت وخیم اقتصادی رژیم را بیان

نمود و بطور ضمنی خواستار کنار آمدن با غرب بر سر تحریم ها شد، و خامنه ای با مطرح کردن "شرایط بدر و خیر" ادامه قلدری و سرگردنه بگیرری را مطرح می کند.

اما هم خامنه ای رهبر و هم بهمنی رئیس بانک مرکزی هر دو یک واقعیت را بیان می کنند. وضعیت وخیم اقتصادی را عسگر اولادی که همواره یکی از مهره های با نفوذ رژیم بوده است، رسماً اعلام می کند. در برابر توصیف شعب اییطلب برای اقتصاد ورشکسته، خامنه ای هم نوید بهتری بجز "بدر و خیر" نمی دهد که چیزی بجز غارت و

چپاول و کشتار نیست. جدا از هر گونه اختلافی بین خامنه ای و بهمنی این واقعیت که جمهوری اسلامی وصله ناجور دنیای امروز است و اقتصادش در حال فروپاشی است قابل انکار نیست. اما بار سنگین این اقتصاد ورشکسته بردوش توده مردم محروم است. حاکمین اسلامی با قانون صدر اسلام دارند میلیارد میلیارد چپاول میکنند و در گوشه و کنار دنیا قصرهایشان را برپا میکنند، برای کارگران و مردم راهی جز ویران کردن کل این بساط نیست. \*

## نه قومی، نه مذهبی، حکومت انسانی!

## یک حرکت مهم در دفاع از ...

از صفحه ۱  
شهلا دانشفر

پس از مشاهده وضعیت تکان دهنده یک کارتن خواب از اداره بهزیستی سنندج خواهان حمایت از وی میشود. اما پس از دو روز از انتقال او به بهزیستی دوباره مردم می بینند که این جوان دوباره شبها را در سرما کنار خیابان میخوابد. این موضوع موجب اعتراض شدید مظفر و اهالی محل میشود و مظفر طی تماسی با استانداری کردستان و رسانه های خبری در شهر سنندج اعلام میکند: این چه مملکتی است که یک انسان در شبهای سرد زمستانی ناچار میشود در کنار خیابان بخوابد؟ او خواهان رسیدگی به این موضوع میگردد.

بدنبال این اعتراض از سوی مظفر صدها نفر در محل زندگی مرد کارتن خواب در کنار خیابان گرد آمده و رسانه های خبری نیز در محل حاضر میشوند و از وضعیت مرد کارتن خواب اقدام به فیلمبرداری میکنند و نهایتاً این خبر در شبکه های تلویزیونی محلی نیز پخش میگردد. بعد از این اتفاقات روز ۱۵ دی مظفر صالح نیا توسط مامورین امنیتی جمهوری اسلامی دستگیر میشود و از آنروز همچنان در اسارت جمهوری اسلامی بسر میبرد. نکته قابل توجه اینجاست که این دستگیری از اعتراض به یک بیحقوقی و دفاع از حقوق ابتدایی انسانی صورت میگردد و مردم در حمایت از خواست برحق و انسانی مظفر همراه او هستند. و اکنون شاهد تجمع هر روزه تعدادی از مردم شهر سنندج و خانواده مظفر در مقابل دادگاه انقلاب اسلامی هستیم. خصوصاً بعد از دستگیری مظفر یکی دیگر از فعالین کارگری و اعضای هیات مدیره اتحادیه آزاد کارگران ایران، شریف ساعد پناه که او نیز چهره ای شناخته شده و محبوب در این شهر است، دستگیر میشود. در نتیجه تجمعات مردم این شهر گسترده تر شده و در تجمع روز ۲۱ دی مردم معترض اولتیماتوم دادند که اگر در هفته آینده این دو کارگر زندانی آزاد نشوند به تجمعات اعتراضی خود ادامه خواهند داد.

کل این ماجرا و اتفاقات حول و حوش موضوع مهمی است که لازم است مورد توجه جدی قرار گیرد.

کارتن خوابی پدیده ای نیست که تنها در شهر سنندج میتوان آنرا دید، بلکه این فاجعه ایست اجتماعی که در همه شهرها شاهدش هستیم و هر ساله تعدادی از انسانها بخاطر بی مسکنی و فقر و فلاکتی که دزدها و چپاولگران حاکم نصیب مردم کرده اند، جان خود را از دست میدهند. اما این کارتن خوابها چه کسانی هستند؟ کارتن خوابی در جامعه به قهقرا کشیده تحت حاکمیت جمهوری اسلامی یک پدیده وسیع اجتماعی است. داستان زندگی زنان و مردان و کودکانی است که بخاطر نداشتن سرپناهی در قبرستانها و خرابه ها و کوچه پس کوچه های شهر و در خیابانها روزگار میگذرانند. ابعاد اجتماعی این موضوع در زمستان و در فصل سرما به موضوع داغی تبدیل میشود. چون هر روز خبر جانباختن یکی از انسانهای بی نام و نشانی را که از سرما و یا از شعله آتشی که برای گرم کردن خود روشن کرده اند، را میشنومیم و برای همین است که مساله داغ میشود. اما در تابستان و گرمای شدید این فصل نیز این بخش از محرومان جامعه همچنان زندگی و جانشان در خطر است. البته تنها ناسازگاری هوا نیست که از این انسانها قربانی میگردد. بلکه افتادن به دام باندهای قاچاق، کشیده شدن به هر ماجرای دعوای خیابانی، میتواند کار یک جوان و یا بویژه یک دختر جوان کارتن خواب را به زندان و دادگاه بکشاند. خطرات دیگر چون تجاوز و تعرض و غیره جای خود دارد.

از سوی دیگر جمهوری اسلامی نیز به این انسانهای محروم و بی پناه همچون مجرم برخورد میکند و گشت های حکومت و طرحهای ساماندهی آن خود یکی دیگر از مصیب های این انسانهای بی جا و مکان است. از جمله هر از چند گاهی مامورین ویژه شهرداری و گشتاپوهای حکومت تحت عنوان

حفظ زیبایی نمای شهر از وجود "کارتن خوابان و متکدیان"، با باتوم و توهین به جان آنان می افتند و از خیابانها جمعشان میکنند و یا تحت عنوان معتاد و غیره بازداشت و زندانشان میکنند. و بعد ها در گزارشاتشان از جمع آوری چند هزار نفری از این انسانهای بی پناه خبر میدهند. نهایتاً نیز طرح ساماندهیشان راهی کردن این محرومان جامعه به مکانهایی که نامش گرمخانه است و بوی تعفن و کثافتش امکان گذران ساعتی را هم در آن ناممکن میکند. مکانهایی که خود کانون توزیع مواد مخدر و به اعتیاد کشاندن انسانها و تجاوز و هر نوع تعرض و جنایت در قبال چنین انسانهایی است.

اما این انسانهایی که به چنین سطحی از زندگی رانده شده اند چه کسانی هستند؟ پاسخ روشن است. جمهوری اسلامی حکومت دزدهای میلیاردی و چپاولگران مفت خور است. این حکومت ابعاد فقر و فلاکت را به جایی رسانده است که برای بسیاری از مردم فاصله کمی مانده است که به این سطح از زندگی کشیده شوند و امروز صحبت از هزاران کارتن خواب در شهرهای مختلف است. بخشی از این انسانها جوانان و قربانیانی هستند که به کام اعتیاد کشیده شده اند. جمهوری اسلامی خود عامل اصلی رشد اعتیاد در جامعه و از توزیع کنندگان آن در میان جوانان و مردم است. بخش دیگری از آنان زنان و دختران جوانانی هستند که تحت حاکمیت رژیم آپارتاید جمهوری اسلامی، رژیمی که حامی عقب افتاده ترین سنن و عقاید مردسالارانه در جامعه است، زیر فشار خشونت خانواده و فشارهای مستمری که بر آنها وارد آمده ناگزیر به ترک خانه شده و راهی خیابان خوابی میشوند. اما ابعاد کارتن خوابی تنها به این موارد خلاصه نمیشود و ابعاد بسیار فراتر و تکاندنده تر از اینها دارد. بخش تکاندنده دیگر این مصیبت اجتماعی ابعاد فقری است که انسانها را به چنین سطحی از بی تأمین مطلق کشانده است. بخشی از این کارتن خوابها کارگرانی هستند که در جستجوی کار به شهرهای بزرگتر می آیند تا برای خود کاری

جستجو کنند و مکان زندگی و معیشتشان پارکها و کنار خیابانهاست. یا کارگرانی هستند که ماهها دستمزد خود را دریافت نکرده و خانه و سرپناه خود را از دست داده اند. یا کودکانی هستند که بی تأمین به خیابان و کام باندهای جنایت و مخدرها شده و خانه و ماوایشان خیابان است. یک نمونه اجتماعی از کسانی که کارتن خواب هستند، داستان کارتن خوابیست که در گفتگویی با خبرنگاران میگوید شب و روز از دست طلبکارانم که برای وصول طلبهایشان مراجعه میکردند، آب خوش از گلویم پایین نسیرفت تا اینکه ناگزیر شدم خانه ام را رها کنم و ۵ سال است فرزندانم را ندیده ام و فقط با تلفن احوالشان را جویا میشوم. در خبر دیگری سخن از کارگری است که میگوید دو سال از کار در یک مسافرخانه در خیابان سعدی زندگی گذرانده است و بعد که دیگر پولی برای کرایه اتاق نداشته ناگزیر به خیابان پناه برده است.

تحت حاکمیت جمهوری اسلامی، کارتن خوابی به یک پدیده اجتماعی تبدیل شده است و مرگ کارتن خوابها نیز واقعیت تکان دهنده ای است که هر روزه خبرش را میشنومیم و در فصل سرما نیز آمارش افزایش می یابد. اتفاقی که در دو هفته اخیر در شهر سنندج شاهدش بودیم اعتراض به چنین پدیده ای با چنین ابعاد اجتماعی ای است.

اتفاقی که در سنندج افتاد میتواند الگویی باشد برای همه شهرها. چرا که اعتراض به این وضعیت و دفاع از وضع کارتن

خوابان، اعتراض به فقر و فلاکتی است که دامن کل جامعه را گرفته است و هر روز بخش بیشتری از مردم را به چنین سرنوشتی میکشاند. خصوصاً اکنون که فصل سرما و زمستان است و جان انسانهایی که کارتن خواب مینامندشان، در خطر هر روزه است، با تجمعات اعتراضی خود در اماکنی که این انسانهای محروم جامعه در آن شب را به صبح میرسانند، باید صدای اعتراض خود را علیه این توحش و بربریت بلند کرد. چرا باید انسانهایی بخاطر فقر و بی مسکنی، بخاطر بیکاری و پرتاب شدن به حاشیه جامعه چنین جان و زندگی شان در خطر هر روزه باشد؟ مسکن رایگان، و داشتن یک زندگی پر از رفاه و شادی حق همه مردم است. اعتراض به این وضعیت و دفاع از کارتن خوابان، اعتراضی است که در آن میتوانیم با تمامیت خواستهایمان به میدان آیم و آزادی و برابری را فریاد بزنیم. باید به این بربریت و به این توحش خاتمه داد.

اکنون شهر سنندج آغاز گر چنین مبارزه ای شده است. مظفر صالح نیا بخاطر چنین مبارزه و خواست انسانی ای در زندان است. باید تمام مردم شهر سنندج به این اعتراض بپیوندند. همچنین یک گام مهم برای تبدیل این اعتراض به جنبشی سراسری حمایت از تجمعات مردم سنندج در مقابل دادگاه اسلامی جمهوری اسلامی و آزادی مظفر صالح نیا، شریف ساعد پناه و همه کارگران و زندانیانانیست که بخاطر دفاع از انسانیت و برای آزادی و برابری در زنداندند.\*

### کنگره هشتم حزب کمونیست کارگری ایران برگزار میشود

قابل توجه عموم!

کنگره هشتم حزب کمونیست کارگری ایران در ماه فوریه ۲۰۱۲ در یکی از کشورهای اروپائی برگزار میشود. شرکت در کنگره برای عموم آزاد است. چنانچه مایل به شرکت در کنگره هستید، برای ثبت نام با آدرس زیر تماس بگیرید.

Congress8@gmail.com

جمهوری سوسیالیستی، جمهوری انسانی است!

## بازتاب هفته

### نمایش انتخاباتی و اصولگرایان شرمگین!



هادی وفاقی

بررسی صلاحیت نامزدهای باصلاحیت انتخابات مجلس نهم، همان رقابت میان هم پیمانان و قسم خوردگان ولایت مطلقه فقیه، رقابت میان تعداد بسیار محدودی از سازندگان جمهوری اسلامی و طمع کاران و دزدان به آخر خط رسیده، پایان رسید و هیئت های اجرایی زیر سیطره دولت احمدی نژاد تعداد بسیاری از خود اصولگرایان را رد صلاحیت کردند. خبرگزاری "مهر" گزارش داده است که ۳۰ تا ۴۰ نفر از نمایندگان کنونی مجلس هم در زمره رد صلاحیت شده ها هستند. کسانی مثل "علی مطهری" نماینده تهران و طراح سؤال از رئیس جمهور در مجلس (طرحی که هیئت رئیسه مجلس بدستور خامنه ای تلاش کرده است آن را پایگانی کند) و "نادر قاضی پور" نماینده ای که گفته می شود در طرح تحقیق و تفحص از "سایا" نقش اساسی داشته است (همان مجموعه عظیم مالی که احمدی نژاد و مشایی در سالهای اخیر بالا کشیده اند). "حمید رضا کاتوزیان"، "علی عباسپور تهرانی"، "علیرضا محجوب"، داریوش قنبری، "پیمان فروزش" و تعدادی دیگر نیز از جمله سایر نمایندگان شاخصی هستند که رد صلاحیت شده اند. تقریباً تمام نمایندگان که رد صلاحیت شده اند، دولت و حامیان "انحرافی" احمدی نژاد را عاملی دانسته اند که درصدد است تعداد نمایندگان را که دولت احمدی نژاد را به چالش گرفته اند، به حداقل برساند و بقول "نور الله حیدری"، نماینده اردل و فارس، "دولت بدنبال آن است که افرادی که از مواضع قاطعی در خصوص دولت برخوردارند، در مجلس آینده حضور نداشته باشند". همچنین "علی

مطهری" نماینده تهران، بدلیل دو بند "التزام عملی به اسلام و نظام جمهوری اسلامی" و "ابراز وفاداری به قانون اساسی و اصل ولایت مطلقه فقیه" رد صلاحیت شده است. دلایلی که علی مطهری در گفتگو با خبرنگاران پارلمانی آنها را تأیید کرده است. خبرگزاریهای رسمی و غیررسمی گزارش داده اند که تعداد رد صلاحیت شده ها در میان خود اصولگرایان به اندازه ای گسترده بوده که آیت الله "مهودی کنی"، همان نماینده ریش سفید خامنه ای برای ایجاد اتحاد در جبهه اصولگرایی و رئیس مجلس خبرگان و "علی لاریجانی" رئیس مجلس و نیز برخی دیگر از شخصیت های مهم خواستار حل مشکل رد صلاحیت ها شده اند و حتی "محمد رضا باهنر"، نایب رئیس مجلس که بفرمان خامنه ای تلاش ها کرد تا نمایندگان را از ایجاد تنش و سؤال در خصوص دولت احمدی نژاد بازدارد، رد صلاحیت ها را "تنگ نظرانه" خوانده است. پاسخ "مرتضی تمدن" - استانداری تهران که از نزدیکان به سرداران سپاه است - به تمام این انتقادات این بوده که "تعیین صلاحیت ها در جهت منافع نظام مقدس جمهوری اسلامی بوده است!" تمام تلاش اینست که جمهوری اسلامی برای یک بار هم شده مجلسی ساکت و آرام داشته باشد. اما از هم اکنون روشن است که جنگ و جدال و نزاعهای تندتری در راه است. امروز، اصولگرایانی که با ظاهر و قیافه ای "قهر" کرده و ماتم زده اظهار می کنند که چنین نتیجه ای برایشان دور از انتظار نبوده و در عین حال، معترض، شرمگین و دل شکسته ادامه می دهند که "اعتراض نخواهند کرد و درخواست تجدید نظر نخواهند داد!" اصولگرایان و قسم خوردگان جمهوری اسلامی و ولایت مطلقه فقیه، اصولگرایان دیگری را که آنها هم به تلاش برای "پایداری" "ایستادگی" رژیم اسلامی قسم یاد کرده اند، از دایره سهم خواهی های قدرت و ثروت جمهوری اسلامی بیرون رانده اند. نظام اسلامی از خودی ترین خودی هایش عبور کرده است! باید گفت کل این شرایط

انتخاباتی - امنیتی، نمایشی از ترس و جنگ و جدال عده ای دزد و چپاولگر اسلامی است که برخی شان آگاهانه تمام هم و غم خود را بکار بسته اند تا جمهوری اسلامی را از خطر انقلاب نجات دهند و بعضی هم خود را به خواب غفلت زده اند. حکم انقلاب مردم ایران این است که دزدی ها و آدمکشی ها و شکنجه ها و تجاوزهای این حکومت در دوره نشو و نمای سیاسی تمام این مقامات صورت گرفته و تمام اینها در ادامه این بساط انسان کشی سهم و شریکند. تمام این مقامات، از اصولگرایان در جبهه های مختلف و "انحرافی" ها تا دوم خردادی ها و "جنبش سبز"ی ها (تا آنجا که برهبری موسوی و کروبی مربوط می شود)، عاملین و آمرین دزدی ها، اعدام ها و سنگسار ها و بی حقوقی های بیشتر از سه دهه اند و رأی مردم ایران این است که تمام این ها باید بساط ننگیشان را از زندگی مردم ایران جمع کنند!

### رسوایی "ضد امپریالیستها"

یاشار سهندی

احمدی نژاد در یک سفر یک هفته ای به امریکای لاتین رفت تا بنا به گفته چاوز "علیه دیوانگی امپریالیسم" با هم همکاری کنند. چاوز تأکید کرده است "دیوانگی امپریالیسم امروز بیش از هر زمان دیگری به شکلی وحشتناک و تهدید کننده درحال گسترش است" و از "برادر ایرانی" خود خواسته با هم همکاری بیشتری داشته باشند تا مانعی بر سر راه امپریالیسم باشند! تا آنجا که نویسنده این نوشته به خاطر دارم دیوانگی امپریالیسم یا خطر از هر نوع دیگر از سوی امپریالیسم جهان خوار همیشه زمانها، حال شاید نه به شکل "وحشتناک"، در حال "گسترش" بوده است! اما چرا این خطر هیچ وقت نه کاملاً رفع میشود نه به سرانجام میرسد سوال خوبی است که جوابش را باید در رژیمهایی جستجو کرد به این "خطر دیوانگی امپریالیسم" نیاز دارند. شیطان سازی از یک هیولا به نام امپریالیسم شیوه روتین رژیمهای

دیکتاتوری است تا بتوانند به طول عمر خود بیفزایند و از آن سو هم "امپریالیستها" به دشمنی احتیاج داشتند تا بتوانند خود را توجیه کنند. در این سو دیوانگی امپریالیسم، و در آن سو "تهدید چاوزو خطر احمدی نژاد برای صلح جهانی" است. یک سو به "دشمن صهیونیستی" محتاج است و سوی دیگر به "دشمن ستیزه جو وینیاگرا"، و هر دو سو به "تعامل" با هم محتاج هستند چون از همدیگر ارتزاق میکنند.

سفر احمدی نژاد را میتوان از زوایای گوناگون تحلیل کرد و به نقش این سفر در موقعیت امروز جمهوری اسلامی پرداخت اما در آغوش کشیدن چاوز و احمدی نژاد به خوبی نمایندگان این است که "ضد امپریالیست ترین" سیاستمداران حاکم در هر گوشه دنیا خود ضد بشری ترین حکام هستند. این در آغوش هم فرو رفتن کسانی از این دست، بهترین فرصت است که نشان داد شود، سیاستهای "ضد امپریالیستی" سیاستهایی است برای سرکوب مردم همان کشورها. توجیهی است بر جنایاتی که به وقوع می پیوندد، ما تجربه جمهوری اسلامی را سی و دو سال است داریم زندگی میکنیم. سی و دو سال سرکوب و کشتار و شکنجه، و از آن سو پرچم امریکا را به آتش کشیدن و در آغوش چاوز و کاسترو آرام گرفتن سران این حکومت جنایتکار را دیدیم. با توجه به تجربه جمهوری اسلامی بی شک در ونزوئلا و کوبا علیرغم تفاوتهای زیادی که این جوامع و این رژیم ها دارند، قطعاً اعتراضات جدی علیه نظم حاکم وجود دارد. و حاکمان مدام از گسترش خطر امپریالیسم سخن به زبان می آورند و آنرا چون چماقی بالای سر مردم می گیرند. کسانی مانند احمدی نژاد را برادر خود خطاب میکنند و به قذافی پیغام میدادند: "ترس، مقاومت کن!" حمایت از قذافی و احمدی نژاد از سوی کسانی مانند چاوز و کاسترو تصادفی و بی شعوری سیاسی ایشان نیست. بلکه کاملاً آگاهانه دارند سیاست سرکوب معینی را به پیش میبرند که سود سرمایه طلب میکند. اما مضحک ترین بخش

ماجرای آن است که هنوز در این دنیا کسانی پیدا میشوند که میخواهند سیاستهای سرکوب دولتهای معینی را به عنوان یک سیاست کارگری و ضد سرمایه داری جلوه دهند و از کسی مانند چاوز گله میکنند که چرا احمدی نژاد را برادر خود میدانند و از "اصول مبارزه ضد امپریالیستی منحرف" شدی؟ روی دیگر این مضحکه به آنجا میرسد که از کشتار مردم توسط بشار اسد حمایت میکنند البته با این تعبیر که ارقام مردم به قتل رسیده کمتر است یا اینکه خود مخالفین در کشتار دست داشتند! یا کار به آنجا میکشد هنوز که هنوز است از رژیم قذافی دفاع میکنند و چهار دهه دیکتاتوری خونین مجنونی مانند قذافی ندیده گرفته میشود. و در ایران چون نمی توانند از کل حکومت جمهوری اسلامی دفاع کنند میگرددند و کسانی مثل رهنورد و کروبی بزرگ میکنند و یا نوریزاد که "نامه های مشفقانه و ناصحانه به رهبر مینویسد" پیدا میکنند و او را به عنوان سبمل مبارزاتی برای ما علم میکنند.

بهر حال آغوش چاوز و کاسترو و اورنگا آغوش امنی برای احمدی نژاد و به طریق اولی برای جمهوری اسلامی نیست. سخنرانیهای غرا و کوینده در محکومیت "امپریالیسم جهانخواه" گری از کار حکومت جمهوری اسلامی باز نمی کند اما گریه محکم بر "مبارزه ضد امپریالیستی" امثال چاوز و کاسترو و اورنگا می اندازد. چون در آغوش کشیدن یک جلا خونریز که بنا به برخی منابع مستقیماً در قتل مردم شرکت داشته است محبوبیتی بهمراه نخواهد آورد بلکه رسوایی تمام عیار است.\*

### تلفن تماس با حزب از ایران

شهلا دانشفر: دبیر کمیته

سازمانده

۰۰۴۴۷۷۷۹۸۹۸۹۶۸

آدرس پستی حزب:

I.K.K, Box: 2110, 127

02 Skärholmen -

Sweden

## اساس سوسیالیسم انسان است!

## بازتاب هفته

### رویدادهای منطقه در یک نگاه



محمد شکوهی

### سوریه: ادامه اعتراضات تهدیدات اسد!

در سوریه سرکوب اعتراضات مردم ادامه دارد. در این هفته در دهها شهر تظاهراتی گسترده علیه رژیم و سیاست‌های مداخلات جویانه اتحادیه عرب در برخورد به رژیم اسد برپا گردید. در جریان حملات نیروهای امنیتی به مردم در این هفته بیش از ۴۹ نفر کشته شده اند. همزمان با ادامه اعتراضات اسد دیکتاتور سوریه این هفته در دانشگاه دمشق و در میان لباس شخصی‌های حکومتی ظاهر شد، تا بک بار دیگر اعلام نماید که هنوز بر سر کار است و کماکان قصد سرکوب انقلاب مردم را دارد. اسد در سخنرانی کوتاهی که برای هوادارانش و در جمع نیروهای امنیتی ایراد کرد، تاکید کرد که در برابر "توطئه خارجی و تروریستها" بر علیه سوریه، ساکت ننشسته و با سیاست "مشت آهنین" جواب خواهد داد. دیکتاتور سوریه با اشاره به سرکوب گسترده انقلاب مردم بی شرمانه مدعی شد که "هیچ دستوری به نیروهای امنیتی برای کشتن مخالفان نداده و در هیچ کدام از سطوح دولت دستور شلیک به سمت مردم داده نشده است". اسد در ادامه وعده "اصلاحات" داد و اعلام کرد که قانون اساسی جدید در حال تهیه بوده و قرار است نظام چند حزبی را به اجرا در بیاورد. وی در واکنش به مخالفان رژیمش اعلام کرد که: "آبادگی گفتگو با مخالفان را دارد، ولی مخالفان آبادگی ندارند با ما گفتگو کنند". دیکتاتور در پایان سخنرانی گفت: "از قدرت کناره گیری نخواهد کرد و برای نجات سوریه دست به هر کاری خواهد زد". سخنرانی اسد واکنش مردم و نیروهای اپوزیسیون را به دنبال داشت. بخش‌هایی از اپوزیسیون مداخلات جو و اصلاح طلب خواهان "گفتگو برای وحدت ملی" می باشد، مخالفان دیگر از

جمله "شورای ملی سوریه"، که در برگزیده نیروهای مخالف و سرنگونی طلب هستند، خواهان ادامه اعتراضات برای به زیر کشیدن رژیم اسد می باشند.

در تحولی دیگر و در ادامه تلاش‌های اتحادیه عرب برای به سرانجام رساندن طرح این اتحادیه، مسئولان این اتحادیه اعلام کردند که دولت سوریه به تعهداتی که در جریان مذاکرات با این اتحادیه تقبل کرده، عمل نکرده و به سرکوب مردم ادامه می دهد. روز یکشنبه هفته گذشته در جریان نشست این اتحادیه در قاهره اعلام شد که، اتحادیه عرب ضمن محکوم کردن اقدامات سرکوبگرانه رژیم سوریه، خواهان وفاداری این رژیم به توافقات انجام شده و آزادی زندانیان می باشند. لازم به یادآوری است که همزمان با برگزاری نشست اتحادیه عرب در قاهره فعالین سیاسی در برابر هتل محل برگزاری این نشست دست به اعتراض زده و خواهان اقدامات قاطعانه تری برای جلوگیری از سرکوب مردم سوریه شدند. بنا بر آخرین گزارشهای ناظران اتحادیه عرب سرکوب و کشتار مردم ادامه داشته و رژیم اسد مانع انجام بازرسی‌های لازم از وضعیت مردم می شوند. در واکنش به ادامه جنایات رژیم اسد در سرکوب مردم، مسئول گروهی از ناظران اتحادیه عرب، روز چهارشنبه استعفا داد. وی دلیل استعفایش را ادامه جنایات رژیم اسد اعلام کرد و تاکید کرد که سیاست اتحادیه عرب مبنی بر اعزاز ناظران برای حل بحران سوریه، به یک شوخی شبیه می باشد. وی خواهان دخالت مراجع جهانی از جمله شورای امنیت سازمان ملل برای نجات مردم سوریه از سرکوب‌ها شد. در واکنش به گزارشات ناظران اتحادیه عرب، سازمان ملل نیز واکنش نشان داده و خواهان همکاری رژیم سوریه با ناظران اتحادیه عرب گردید.

بر اساس خبر دیگری که در رسانه‌های ترکیه منتشر یافت، ترکیه چهار کامیون حامل سلاح از طرف جمهوری اسلامی برای رژیم سوریه را متوقف کرده است. در اقدامی دیگر جمهوری اسلامی اعلام کرده که دستگیر شدگان در سوریه وابسته به سپاه پاسداران نبوده

و اعضای "تیم مهندسی" برای کار در نیروگاه برق در شهر حمص بوده اند که توسط "تروریستها" دستگیر شده اند. لازم به یادآوری است که دهها نفر از نیروهای سپاه پاسداران و وابستگان نظامی و امنیتی جمهوری اسلامی در مناطق حمص، درعا و دمشق توسط "ارتش آزاد سوریه" دستگیر شده اند و این دستگیرشدگان اعتراف کرده اند که دارای مأموریت‌های امنیتی بوده و برای ارگانهای دولتی رژیم سوریه کار می کرده اند. از آغاز انقلاب مردم بر علیه رژیم اسد تاکنون بیش از ۶۰۰۰ هزار نفر کشته، ۲۲ هزار نفر دستگیر، بیش از ۳۴۰۰ نفر مفقودالثر و صدها هزار نفر از مردم آواره گشته اند.

### نیجریه: اعتراضات میلیونی به دنبال حذف یارانه سوخت!

از اوایل هفته ای که گذشت دولت نیجریه در ادامه به اجرا گذاشتن سیاست ریاضت کشی اقتصادی، اعلام کرد که یارانه سوخت را از اوایل ژانویه ۲۰۱۲ قطع خواهد کرد. به دنبال اعلام این سیاست قیمت مواد سوختی از جمله بنزین در عرض یک روز دو برابر افزایش یافت. در واکنش به این سیاست دولت، اتحادیه‌های کارگری و احزاب سیاسی مردم را به اعتصاب عمومی نامحدود بر علیه این سیاست دولت فراخواندند. در اولین روز اعتصاب عمومی مغازه‌ها، ادارات، مدارس و پمپ‌های بنزین در سراسر این کشور تعطیل شد و دهها هزار نفر اقدام به راهپیمایی و تظاهرات در چندین شهر بزرگ این کشور کردند.

در لاگوس تظاهرات دهها هزار نفری برپا گشت. در شهر کانو در شمال نیجریه، نیروهای پلیس به سمت معترضان تیراندازی کرده و دو نفر را کشته و تعداد زیادی از مردم را زخمی کردند. در اعتراضهای کانو که دومین شهر بزرگ نیجریه است، دست کم ۳۰ نفر زخمی شده‌اند.

در ابوجا پایتخت نیجریه، تظاهراتی از سوی اتحادیه‌های کارگری و گروه‌های مدنی سازماندهی شده و معترضان با حرکت به سمت فرودگاه این شهر، عملاً فرودگاه را به تعطیلی کشاندند. عصر روز چهارشنبه دوباره فراخوانهایی برای دامه اعتصاب عمومی و برپایی تظاهرات بر علیه سیاستهای اقتصادی دولت داده شد و در آن از کارکنان خدمات و بخش

## قربانی ای دیگر در شطرنج هسته ای رژیم

### بهر روز مهربابادی

به اسرائیل نسبت می دهند و آن را جنگ غیر اعلام شده دو دولت جمهوری اسلامی و اسرائیل می دانند. بعضی از مفسران با توجه به شبکه گسترده جاسوسی رژیم و فضای خفقان بار کشور، انجام این عملیات را بدون همراهی و همکاری بخشی از عوامل وابسته به رژیم امکان پذیر نمی دانند. گروهی نیز معتقدند که ترور شدگان بنوعی با نحوه پیشبرد سیاست هسته ای رژیم مخالفت داشته و یا به سرکوبگری های رژیم پس از خرداد ۸۸ معترض بوده اند و قتل آنها توسط مأموران وزارت اطلاعات و یا سپاه پاسداران انجام شده است. بی تردید حقایق پشت این قتلها و ترورها در آینده نزدیکی روشن خواهد شد. اما هر کدام از این گمانه زنی‌ها و یا حتی ادعاهای رژیم، صحت داشته باشد نتیجه ای بجز در هم ریختگی و آشفتگی رژیم نمی توان گرفت. از سوی دیگر این قتل‌ها نشان می دهد که سیاست هسته ای رژیم فقط می تواند با قتل و خونریزی و کشتار همراه باشد و باقی بماند. در صورت ادامه حیات جمهوری اسلامی و تداوم این سیاست باید منتظر کشتار های بیشتر و فجایی بود که می تواند دامنگیر توده مردم شود. با وجود جمهوری اسلامی و از هیچ کدام از سیاست های آن نمی توان انتظار امنیت و آسودگی برای مردم ایران و جهان داشت. \*

با شورای همکاری خلیج و سازمان ملل در ماه گذشته، صالح با گرفتن تضمینهایی قرار است از یمن برود. در این توافقات تضمین شده است که صالح دستگیر و محاکمه نخواهد شد. از حدود دو ماه پیش که این توافق عملی شده، هر روز هزاران نفر در شهرهای بزرگ یمن بر علیه دولت جدید دست به تظاهرات میزنند. خواست اصلی مردم در این تظاهرات دستگیری و محاکمه صالح می باشد. در همین رابطه در این هفته نیز تظاهراتی بزرگ مردم ادامه داشت. در این تظاهرات علاوه

بر خواست دستگیری و محاکمه صالح، مردم خواهان آزادی زندانیان سیاسی و دستگیر شدگان اعتراضات جاری شدند. دولت جدید تا کنون به این خواست مردم واکنش نشان نداده است.

### یمن: مردم خواستار محاکمه دیکتاتور هستند!

در یمن اعتراضات مردم ادامه دارد. بعد از انتقال قدرت به معاون عبدالله صالح و توافقات انجام شده

## مسئله مالکیت خصوصی!...

مادی و همه چیز بهره مند شوند.

از صفحه ۷

که کارگر میتواند با آن پول، در بازار کالاها مقداری از محصول اجتماعی را بخرد و زنده بماند. بخش اعظم این ثروت اجتماعی به معنای پولی کلمه در اختیار سرمایه دار است که آن را هم در انتهای پروسه تولید تبدیل به پول کرده و پول افزایش می‌کند. من سؤال این است که اگر خود این بنیاد، خود این زیرینا و شرایطی که پول را لازم کرده است از بین برود؛ اگر خود این شرایطی که شما را مجبور کرده است با پولی که بعنوان دستمزد نیروی کارتان گرفته‌اید، بروید و محصولی را که خودتان تولید کرده‌اید بخرید از میان برود و محصول اجتماعی متعلق به خود شما و خود جامعه باشد؛ آنوقت، واقعا چه نیازی به پول وجود خواهد داشت؟ میخواهم بگویم که وقتی مالکیت خصوصی بر وسایل تولید از بین برود، جامعه صاحب وسایل تولید می‌شود و جامعه صاحب آن محصول اجتماعی می‌شود که خودش با خلاقیت خودش بوجود آورده است و در نتیجه، همه انسان ها در تولید محصول اجتماعی سهیم می‌شوند و همه انسانها حق دارند از این محصول اجتماعی برای رفاه و زندگی خوب استفاده کنند و در نتیجه پول از صحنه خارج می‌شود. روشن است که پول نیاز انسان نیست، پول، نیاز مناسبات سرمایه داری است. شما با میلیاردها کاغذ و دلار، اگر در یک جزیره ای بیفتید که در آن جزیره چیزی برای خوردن وجود ندارد، آن میلیاردها پول شما - که نماینده ثروت یک جامعه ای بوده است - به هیچ دردی نمی‌خورد و حتی ممکن است آنرا بسوزانید برای گرم شدن در آنجایی که رابطه شما با جامعه قطع شده است! اگر مناسباتی که ما می‌گوییم منبایش مالکیت خصوصی بر وسایل تولید و بر همین اساس استثمار کار و نیروی کار میلیونها انسان است از بین برود؛ پول دیگر کارکرد خودش را برای جامعه یا جامعه نیاز خودش را به پول از دست می‌دهد. پاسخ سؤال شما این است که در رابطه با پول، چیزی اشتراکی

نمی‌شود. وقتی آن بنیاد و آن شرایطی که وجود پول را ضروری کرده است از بین برود، دیگر جامعه هم نیاز خودش را به آن از دست می‌دهد.

سیامک بهاری: خود این سرمایه، خود این سرمایه موجود چه می‌شود؟ مثلاً بانکی که میلیاردها دلار سرمایه دارد و حالا میخواهند آنرا اشتراکی کنند. این حجم پول کجا می‌رود؟

محسن ابراهیمی: شما در این سؤالتان به بخش‌های مختلف سرمایه اشاره می‌کنید که الان فرصت نیست به آن بپردازیم اما اجازه بدهید اینطور بگویم که فرض کنید اگر این میلیاردها دلار سرمایه و پول جامعه که در بانک‌ها متمرکز شده است - اعتبار و پول‌های اعتباری که بقول مارکس پول‌های خیالی هستند را فعلا کنار می‌گذاریم - در اختیار همگان قرار بگیرد و اگر جامعه - نه بطور اسمی و حقوقی و قانونی بلکه بطور واقعی - اجازه ندهد که وسایل تولید در اختیار بخش اقلیت جامعه باشد و آن اقلیت سرمایه دار زندگی اکثریت مردم را به گرو بگیرد و اگر واقعا همه محصول اجتماعی دیگر در اختیار مردم باشد، مردم می‌توانند و باید این وسایل تولید را سازمان بدهند که چه چیزی تولید کنند، چقدر تولید کنند و چگونه توزیع نمایند. در اینصورت، این پول و کاغذی که در بانک‌ها بوده، از آنجاییکه ثروت اجتماعی دیگر در اختیار مردم است، برد هیچ چیزی نمی‌خورد و آن میلیاردها دلار شخص سرمایه دار هم دیگر هیچ ارزشی برایش ندارد. این ثروت زمانی برای سرمایه دار معنای اجتماعی دارد که ثروت واقعی در جامعه و مهم تر از آن مناسبات تولیدی جامعه را نمایندگی کند. باید تأکید کنم که پول، رابطه اجتماعی است. پول بخودی خود سرمایه نیست. این پول زمانی سرمایه است که یک بخشی از جامعه بخاطر مالکیتش بر وسایل تولید، بتواند آن پول را در بازار خرید نیروی کار بپردازد، میلیون‌ها کارگر را به خدمت بگیرد و ارزش

اضافی تولید شده توسط این کارگران را بالا بکشد. در اینصورت است که این پول سرمایه است. اگر این رابطه و این مناسبات از بین برود، یعنی رابطه و مناسباتی که پول را سرمایه کرده - بقول مارکس، چارچوبی که در آن پول، پول می‌افزاید - از بین برود، پول دیگر سرمایه نیست. هیچ چیز نیست و حتی بنظر من، ابزار مبادله هم نیست! چون اساسا جامعه برای سازمان دادن توزیع ثروتش هزار راه پیدا می‌کند. در نتیجه، دوباره تأکید می‌کنم که پول بخودی خود ثروت اجتماعی نیست بلکه نماینده ثروت اجتماعی است. پول بخودی خود سرمایه نیست و فقط در صورتی سرمایه است که رابطه اجتماعی بین یک بخش جامعه (صاحب سرمایه) با بخش دیگری (فاقد سرمایه و مالکیت وسایل تولید) وجود داشته باشد. وقتی تمامی این مناسبات و روابط از بین برود، نیاز به پول هم بی‌معنا می‌شود و در مورد بانک هم، بنظر من، چنین جامعه‌ای هیچ نیازی به این بانک‌هایی که پول جامعه و مردم را نگاه دارند و از قبل آن پول دربیابند، ندارد؛ برای اینکه این جامعه هدف و فلسفه وجودی اش را مبتنی کرده است بر توزیع ثروت اجتماعی و محصولاتی که تولید شده است، به نفع همه انسان‌ها.

سیامک بهاری: محسن ابراهیمی، فرصت اندکی داریم و در این فرصت میخواهم این نکته را مطرح کنم که مالکیت جزو جدایی‌ناپذیر سرمایه داری است و وقتی شما مالکیت را برمی‌دارید، در واقع، سرمایه داری را برداشته‌اید. آیا این همان سوسیالیسم است که شما می‌گویید یا خیر، هنوز این سوسیالیسم نیست؟

محسن ابراهیمی: باید بگویم که

ما بدنبال این نیستیم که مالکیت خصوصی افراد و سرمایه داران منفرد را به مالکیت خصوصی دولت تبدیل کنیم - یعنی - بقول مارکس - دولت بشود سرمایه دار مجرد، سرمایه دار انتزاعی و آنوقت، دولت بنام جامعه، همان طبقه کارگر را دوباره استثمار کند؛ همان اتفاقی که در شوروی و خیلی از کشورهای بلوک شرق که اسمشان سوسیالیسم بود رخ داد. باید گفت با لغو مالکیت خصوصی بر وسایل تولید، در حقیقت، بنیاد دیگری هم باید لغو بشود و آنهم "کار مزدی" یعنی کار بمشابه کالا است: یعنی نیروی کاری که کارگر باید بفروشد تا بتواند زندگی کند. منظورم بنیاد و مناسبات و روابطی است که بر اساس آن، یک عده قلیلی میتوانند اکثریت عظیمی را به خدمت بگیرند و بخش اندکی از محصول تولیدی خود این اکثریت را به آنها برگردانند و بخش اعظمش را خودشان صاحب بشوند. کار مزدی باید از بین برود و جای آنرا خلاقیت اجتماعی بگیرد. در نظامی که ما از آن صحبت می‌کنیم، کار مزدی معنا ندارد و انسان‌ها بخاطر مزد کار نمی‌کنند. انسان‌ها بمنظور تولید ثروت اجتماعی، خلاقیت خودشان را بکار می‌برند و محصول نهایی را بین خودشان تقسیم می‌کنند آنچنانکه همه خوب زندگی کنند و به این معنا، لغو مالکیت خصوصی بر وسایل تولید بورژوازی، همراه با لغو کار مزدی، مبنای آن جامعه‌ای است که ما فکر می‌کنیم با ایجاد آن همه انسان‌ها میتوانند در رفاه و خوشی زندگی کنند.

\*\*\*

با تشکر از هادی وقعی که این مصاحبه را با دقت کتبی کرده است. در متن کتبی این مصاحبه در چندین جا کلمات و عباراتی تدقیق شده است. محسن ابراهیمی \*



## انقلابی انسانی، برای حکومتی انسانی!

## مسئله مالکیت خصوصی!...

از صفحه ۱

محسن ابراهیمی

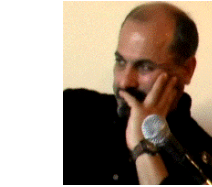


خصوصی، مالکیت دولتی و مالکیت اشتراکی. همه اینها چه هستند؟ کمونیست‌ها راجع به آن چه می‌گویند و کلا مالکیت چه نقشی در تاریخ بشر ایفا کرده و در حال حاضر، در قرن بیست و یکم مالکیت چه معنای خاصی دارد؟ این موضوع گفتگویی است با محسن ابراهیمی، عضو دفتر سیاسی حزب کمونیست کارگری ایران و سردبیر نشریه "کمونیسم کارگری". محسن ابراهیمی به برنامه ما خوش آمدید.

محسن ابراهیمی: خیلی متشکرم و سلام عرض میکنم به شما و بینندگان گرامی.

سیامک بهاری: سیاسگزارم. درباره مالکیت زیاد صحبت می‌شود و از زمانی که تاریخ بشر مدون شده، با مالکیت همراه است. در دوره های مختلف؛ دوره برده داری، فئودالیسم و سرمایه داری. مالکیت حتی نقش مهمی ایفا کرده در فردیت و حق فردیت شخص. باخطر همین مسئله، تاریخ بشر جنگ های خونینی تجربه کرده و در همه فرماسیون های اقتصادی، موضوع مالکیت برجسته است، مهم و تعیین کننده است و در همه ادیان، اصلا مالکیت مقدس است و حتی وقتی خدا را تعریف می کنند، چون مالک زمین و زمان است، قدرت زیادی دارد وگرنه معلوم نیست قدرتش از چه می آید! خوب، یک وقتی مالکیت بوده و یک زمانی هم نبوده است. میخواهم کلا نظر شما را بدانم. شما چه فکر می کنید؟

محسن ابراهیمی: بله، همچنانکه بدرستی توضیح دادید، بنظر من - و نه البته به نظر من بلکه این دیگر یک فاکت تاریخی است - مالکیت خصوصی بر وسایل تولید و بر اساس این، چگونگی توزیع ثروت در جامعه و بر اساس همه اینها چگونگی شکل گرفتن نهادهای قدرت، مذهب و تمام ایدئولوژی های مشخصی که کارشان پاسداری از مالکیت خصوصی بوده و کارشان تعرض به کسانی بوده که میخواستند بگونه ای از قید مالکیت خصوصی که زندگی آدم ها



را در طول تاریخ تحت تأثیر قرار داده رها شوند و کارشان زندانی کردن و قانون درست کردن علیه آن بخشی از جامعه بوده که تقدس مالکیت خصوصی را زیر سؤال برده اند، همه اینها تاریخا وجود داشته و همچنان ادامه دارد و تا زمانی هم که مالکیت خصوصی وجود دارد، تمام این پدیده هایی که شما در صحبتتان اشاره کردید، سر جایش خواهند بود. مهم ترین نکته ای که در این بحث - جدا از بحث تاریخی اش که بالاخره مالکیت چه زمانی وجود داشته و چه زمانی وجود نداشته و اصلا چطور بوجود آمده است و چرا شکل گرفته است و بالاخره اینکه مالکیت خصوصی از آسمان که به زمین نیفتاده است و چطور واقعا از بین می رود و آیا واقعا می شود بدون آنکه جامعه بهم بریزد آنرا از بین برد و غیره - مطرح است، تفکیک دو مسئله از یکدیگر است که بنظر من فوق العاده مهم است. مالکیت خصوصی و "مالکیت" شخصی. وقتی ما از مالکیت خصوصی و آن پدیده ای که از نظر ما باید لغو شود و با لغو آن جامعه میتواند رها شود صحبت میکنیم، داریم از مالکیت خصوصی بر وسایل تولید و منابع تولید حرف می زنیم. اینطور بگویم که وقتی به تولید اجتماعی، محصول و ثروت اجتماعی که در جامعه بوفور وجود دارد نگاه می کنیم، فوراً این سؤال پیش می آید که این ثروت اجتماعی چطور بوجود آمده است. و اولین پاسخ این است که برای تولید این ثروت اجتماعی، باید مواد خامی وجود داشته باشد؛ باید مواد اولیه، منابع و وسایل تولیدی وجود داشته باشد و این شرط اول است، شرط مادی تولید این همه ثروت اجتماعی است؛ در عین حال، پرسش دوم این است که اگر تمام اینها - منابع و وسایل تولید - وجود داشته باشند اما یک نیروی دیگری که اینها را بکار می گیرد و به محصول اجتماعی تبدیل می کند، یک نیروی دیگری که این مواد اولیه،

منابع خام و وسایل تولیدی را بکار می اندازد وجود نداشته باشد، اتفاقی که می افتد این است که ثروت اجتماعی نخواهیم داشت و مردم باید گرسنه بمانند. روشن است که اینجا این نیروی کار زنده است که عامل دیگر تولید است و وقتی ما از مالکیت خصوصی حرف می زنیم، منظورمان این است که آن وسایل تولید و آن منابع اولیه که شرط مادی تولید اجتماعی است، در اختیار فقط بخشی از جامعه است؛ در اختیار اقلیت جامعه است و این اقلیت، مالک منحصرفرد وسایل و منابع تولیدی است و چون مالک اینهاست، آن بخش دیگر را که به همان اندازه برای تولید اجتماعی مهم است، یعنی کارگر و نیروی کار را به خدمت میگیرد، استثمار و بهره کشی می کند و مقدار ناچیزی از محصول را هم به آنها بر میگرداند. این بخش اکثریت همیشه هشت شان گرو نه شان است ولی کسانی که مالک وسایل تولیدند، صاحب همه چیزند؛ صاحب ثروت اجتماعی اند و صاحب تمام نیروهای خلاق جامعه هستند. بر همین مبنا، ما از مالکیت خصوصی بر وسایل تولید یعنی یکی از عامل های اصلی تولید ثروت اجتماعی توسط اقلیت خیلی ناچیزی از جامعه حرف می زنیم که اکثریت خیلی وسیعی از جامعه را که مالک آن وسایل تولید نیستند ولی مالک نیروی کارشان هستند، استثمار می کنند. این تفکیک مهم بود که خواستم در اول بحث روشن کنم.

سیامک بهاری: در مورد مالکیت خصوصی و شخصی باید بیشتر صحبت کنیم. شما به مالکیت خصوصی و شخصی ابزار تولید و غیره اشاره کردید اما، حق فرد در تعیین قلمرو شخصی و فردیتش شامل چه می شود؟ خوب، فردی که صاحب کارخانه یا یک مؤسسه بزرگ مالی است، اینها هم جزو مالکیت شخصی اوست. میخواهم این تفکیک را بیشتر توضیح بدهید.

محسن ابراهیمی: بله، وقتی شما سؤال می کنید که حق فرد و امکاناتی که نیازهای شخصی اش را برآورده می کند، چه می شود، بلافاصله این پرسش هم در ذهن من بوجود میآید که چرا شما چنین

سؤالی را مطرح می کنید! مگر چه اتفاقی افتاده است؟ چه چیزی قرار است آدم ها را از بهره مندی از ثروت اجتماعی و محصول خلاقیت جامعه محروم کند؟ اینجاست که بحث مالکیت خصوصی پیش می آید. چون تمام ظاهر بحث مدافعین پر و پاقرص حفظ مالکیت خصوصی بر وسایل تولید بعنوان منبع شکوفایی، منبع ثروت و منبع همه چیز، این است که اگر شما مالکیت خصوصی را لغو کنید، آنوقت چه بلایی بر سر توده مردم، چه بلایی بر سر اشخاص و حق فرد بر مالکیت شخصی می آید و اینکه اگر اینها از بین بروند، اصلا جامعه تنبل می شود و چیزی هم تولید نمی گردد (آنطور که تمام طبقات دارای جامعه می گویند)! خوب، بحث اتفاقا بر سر این است که آن کسانی که می گویند شما با لغو مالکیت خصوصی بر وسایل تولید، زندگی شخصی، نیاز شخصی و باصطلاح شکوفایی شخصی آدم ها را از میان می برید، کسانی هستند که در حال حاضر بخش اعظم وسایل تولید را مالک هستند و درست به همین دلیل که اینها مالک تمام وسایل تولید هستند، بخش اکثریت جامعه اتفاقا مالک هیچ چیزی نیستند. "مالک" شخصی هیچ چیزی نیستند. به همین جامعه سرمایه داری که در آن زندگی می کنیم، نگاه کنید. آن کسانی که داد و فغان سر می دهند که اگر مالکیت خصوصی را لغو کنیم، مردم از همه امکانات محروم میشوند، در واقع، دارند از مالکیت خصوصی خودشان دفاع می کنند.

چون در حال حاضر و در همین جامعه، دقیقا به این دلیل که آنها صاحب وسایل تولیدند، نود درصد جامعه که طبقه کارگرند، مالک هیچ چیزی در جامعه نیستند. تنها چیزی که دارند، نیروی کارشان است و صاحبان وسایل تولید، از کار این اکثریت بهره می کشند. نیروی کارشان را می خرد و آنرا با وسایل تولید که صاحبش هستند، ادغام می کنند و از محصول و ثروتی که بدست می آید، سهم کارگر، فقط آن مقداری است که بتواند دوباره خودش را برای کار فردا بازتولید کند و در بهترین حالت فرزندان را برای

طبقه سرمایه دار بازتولید نماید و در عین حال، هیچ بهره ای از ثروت جامعه ندارد و فقط مالک شخصی آن چیزی است که بتواند دوباره او را بعنوان کارگر بازتولید کند. میخواهم بگویم وقتی ما از لغو مالکیت خصوصی صحبت می کنیم، در حقیقت داریم می گویم که آن بخشی از تولید اجتماعی که اسمش وسایل تولید و منابع خام است، نباید در انحصار یک اقلیت ناچیزی باشد که بتوانند با اتکا به آن، بخش اعظم جامعه را از همه چیز، خانه و وسایل زندگی و رفاه و داشتن دارو و درمان خوب و همه لذات و تفریحات زندگی محروم کنند. یعنی طبقه ای که مالک نیروی کار است ولی مالک وسایل تولید نیست، طبقه ای که برای تولید ثروت اجتماعی بسیار مهم است، فاقد همه چیز در این جامعه است و چون فاقد همه چیز است، چون فاقد امکانات زندگی انسانی است، یعنی در حقیقت امکان شکوفایی شخصی ندارد، امکان شکوفایی فرهنگی و خلاقیت ندارد و فقط باید بعنوان صاحب نیروی کار، نیرو و توانش را در بازار کالای سرمایه داری بفروشد تا بتواند زندگی کند. فقط بتواند زندگی کند و زنده بماند تا در دور بعد باز هم در اختیار صاحبان وسایل تولید قرار گیرد. اجازه بدهید با این توضیح این بحث را خلاصه کنم که وقتی ما از مالکیت خصوصی و لغو مالکیت خصوصی حرف می زنیم، یعنی اینکه میخواهیم شرایطی فراهم کنیم که دو عامل اصلی تولید ثروت اجتماعی، یعنی وسایل تولید و نیروی کار، بخش مادی و بخش زنده، همه اش یکی بشود و این فاصله ای که میان اینها انداخته اند و با اتکا به آن صاحبان وسایل تولید هر روز از بخش اعظم جامعه بهره کشی می کنند، از بین بروند و همه جامعه "مالک" هر دو بخش تولید اجتماعی باشند. به این معنا، همه جامعه می توانند از همه ثروت اجتماعی بهره مند شوند؛ تمام انسانها می توانند شکوفا شوند و همه انسان ها می توانند از تمام امکانات رفاهی، فرهنگی، فکری و

## برای آزادی کارگران زندانی و همه زندانیان سیاسی باید به میدان آمد

مردم آزادیخواه سنندج!

در هفته گذشته باز هم دو نفر از فعالین کارگری و چهره های آشنای شما، شریف ساعد پناه و مظفر صالح نیا، بوسیله جمهوری اسلامی روانه زندان شدند. باز هم فعالین کارگری و کسانی که تنها جرمشان دفاع از حقوق مردم و هم طبقه ای هایشان است مورد غضب جمهوری اسلامی قرار گرفتند.

شریف ساعد پناه و مظفر صالح نیا دو فعال کارگری و از اعضا هیئت مدیره اتحادیه آزاد کارگران ایران هستند. این دو فعال کارگری هم برای مردم سنندج آشنا هستند و هم کارگران و مردم تحت ستم همیشه آنها را در کنار خود دیده اند. مردم میدانند که این آدمهای شریف نه جرمی مرتکب شده اند و نه دلیلی برای دستگیری آنها وجود دارد. قبلا هم تعداد دیگری از فعالین کارگری و

انسانهای معترض به وضع موجود را دستگیر، محاکمه و به زندان انداخته و به پرداخت وثیقه های سنگین محکوم کرده است. این سیاست سرکوبگرانه باید جواب محکمی از شما دریافت کند. باید به جمهوری اسلامی فهماند که نمیتواند با دستگیری و تحت فشار قرار دادن انسانهای مبارز و معترض مردم را ساکت کند.

جمهوری اسلامی در شرایطی تشدید سیاستهای سرکوبگرانه اش را به نمایش میگذارد که از بالاترین تا پایین ترین سطوح مقامات و مسئولینش به جان هم افتاده اند. بیش از همیشه در سطح بین المللی منزوی و ایزوله شده است. تمام عملکرد این رژیم اکنون زیر ذره بین رسانه ها و مجامع داخلی و جهانی قرار دارد. بحران و سردرگمی، همه جناحها و راس حکومت را در تنگنا

گذاشته است. مبارزات کارگری روز به روز ابعاد و عمق بیشتری پیدا میکنند. نفرت عمومی علیه همه جناح های حکومت به حالت انفجار رسیده است و سران و مقامات این رژیم تنها راه حفظ حکومت خود را در تشدید سرکوب بیرحمانه کل جامعه میدانند.

مردم مبارز سنندج، کارگران!

در چنین شرایطی میتوان و باید به این مقامات سرکوبگر افسار زد. مردم باید اینرا بدانند که این رژیم انسجام و توان برپایی يك جامعه ساکت و مطیع را ندارد. نقطه ضعفهای جمهوری اسلامی پایه ای تر و ریشه ای تر از آن است که بتواند با دستگیری فعالین و ادامه و تشدید سیاستهای سرکوبگرانه، مانع به میدان آمدن مردم برای مدت طولانی بشود. اکنون وقت آن رسیده است که در حمایت از زندانیان سیاسی و

منتقل کرده اند. باید اوباشان را تحت فشار قرار دهیم و عزیزانمان را هرچه زودتر آزاد کنیم.

کارگران زندانی هیچ جرمی مرتکب نشده اند. مجرم واقعی سران و کاربدستان حکومت جنایتکار، فاسد و دزد اسلامی هستند. جا دارد گسترده تر از روزهای قبل مردم سنندج، تشکلهای کارگری، زنان، جوانان و معلمان همه به میدان بیایند. یکصدا و متحدانه این دستگیری ها را محکوم کنند، طومار جمع آوری کنند، تجمعات

کارگران گفته است که اعتراض آنها به بیکاری است و چند روز گذشته رویه روی استانداری مازندران تجمع کردیم اما هیچ مسئولی حاضر به پاسخگویی نشد. وی ادامه داد: پنج سال قبل با ۱۴۰۰ پرسنل کارخانه در روز ۷۰۰ تن تولید داشت اما اکنون با زور و فشار مدیران و تنها با داشتن ۷۵۰ کارگر روزانه ۱۰۰۰ تن خروجی تولید است. کارگر دیگری با ۱۵ سال سابقه خدمت در این کارخانه میگوید: هم اکنون ۴۵ روز است که حقوقی دریافت نکرده ام و بدتر از آن هم این است که هیچ کس پاسخگوئی ما نیست.

**اعتصاب ۲۴ ساعته کارگران ذوب فولاد ملایر**

خبرگزاری دولتی ایلنا خبر داد که کارگران ذوب فولاد ملایر به دلیل

## شریف ساعد پناه و مظفر صالح نیا از زندان مرکزی به حراست سپاه در سنندج منتقل شدند

شدند. این نقل و انتقال نگرانی خانواده و همکاران شریف و مظفر را بیشتر کرده است.

روز چهارشنبه مسئولین دادگاه به تجمع کنندگان وعده دادند که روز دوشنبه مظفر صالح نیا و شریف ساعد پناه را به دادگاه خواهند آورد اما در اوج بی شرمی امروز آنان را به حراست سپاه که محل اذیت و آزار و شکنجه بازداشت شده گان است

طبق خبری که به کمیته کردستان حزب رسیده است، امروز پنجشنبه ۲۲ دی ماه (۱۲ ژانویه) خانواده کارگران زندانی همچنان به تجمع خود در مقابل ستاد خبری ادامه دادند. بنا به این خبر روز پنجشنبه، شریف ساعد پناه و مظفر صالح نیا کارگران زندانی در سنندج، از زندان مرکزی این شهر به حراست اطلاعات سپاه منتقل

## چند خبر از اعتراضات کارگری در ایران

### کارگران کشت و صنعت شمال تجمع اعتراضی برپا کردند

خبرگزاری مهر گزارش داد که تعداد زیادی از کارگران کشت و صنعت شمال روز ۱۳ دی با تجمع در فرمانداری میاندرود خواستار رسیدگی مسئولان به وضعیت تعطیلی این کارخانه شدند. در ادامه آمده است: کارخانه کشت و صنعت شمال به عنوان بزرگترین واحد تولید کننده روغن مایع و نباتی خاورمیانه در مازندران هفتهها است که به دلیل پرونده مالی سرمایه گذار اصلی آن با تعطیلی مواجه شده است. تولید این کارخانه در روزهای اخیر متوقف و کارگران از کار بیکار شدهاند. یکی از

### ۵۰۰ تن از کارگران کارخانه ذوب آهن اردبیل تجمع اعتراضی برپا کردند

گزارشها حاکی از آن است که ۵۰۰ تن از کارگران کارخانه ذوب آهن اردبیل روز دوشنبه ۱۲ دی در محل این کارخانه تجمع کردند و خواستار ۶ ماه حقوق معوقه و تعیین تکلیف کارخانه شدند. کارگران به استانداری مراجعه کرده و نامه اعتراضی خود را به استانداری و سپس به اداره کار تحویل دادند. این کارخانه که تولیدکننده میل گرد است، قبلا ۱۸۰۰ کارگر داشت و در حال حاضر ۵۲۵ کارگر در این کارخانه کار می کنند.

میتوانند ضمن امضا تومار و خواست آزادی فعالین کارگری، خواهان آزادی همه زندانیان سیاسی بشوند. لازم است کارگران برای حمایت از رهبران و فعالین و همکاران خود با قدرت به میدان بیایند. همه مقامات و مراکز اصلی رژیم در سنندج باید چنان تحت فشار اعتراض مردم قرار گیرند که آنها را ناچار به عقب نشینی و آزادی عزیزان در بند کند. قطعا در این راه همه مردم کردستان و مبارزین و آزادیخواهان ایران همراه شما خواهند بود.

زنده باد همبستگی و مبارزات مردم آزادیخواه!

۱۱ ژانویه، ۲۰۱۲

محمد آسنگران

دبیر کمیته کردستان حزب کمونیست کارگری ایران

تماس ۰۰۴۹۱۶۳۵۱۱۲۰۲۵

moasangaran@gmail.com



و در صفی گسترده و متحد باید خواهان آزادی بدون قید و شرط شریف ساعد پناه، مظفر صالح نیا و سایر کارگران زندانی و کلیه زندانیان سیاسی شویم.

کمیته کردستان حزب کمونیست کارگری ایران

۱۲ ژانویه ۲۰۱۲، ۲۲ دیماه ۹۰

طبرستان (وابسته به مدیریت کارخانه نساجی مازندران) از ساعت ۹ صبح روز یکشنبه ۱۸ دی در مقابل کارخانه نساجی طبرستان در قائمشهر در اعتراض به پرداخت نشدن ۱۳ ماه حقوق معوقه و مشکلات بیمه دست به تجمع اعتراضی زدند. کارگران قصد داشتند که در جلوی مجلس در تهران تجمع کنند ولی فرماندار مانع از رفتن کارگران به تهران شده و میگوید در این شرایط انتخاباتی نباید به تهران بروید. کارگران گفته اند که تا آخر هفته به تجمع خود در قائمشهر ادامه میدهند و در صورت حل نشدن مشکلاتشان در آخر هفته برای تجمع اعتراضی در جلوی مجلس به تهران خواهیم رفت.

فعالین کارگری با قدرت بیشتری به میدان بیاییم. مردم سنندج در طول حیات جمهوری اسلامی همیشه پیشرو و مبتکر مبارزاتی بوده اند که فضای سیاسی کل جامعه را به جلو سوق داده است. این بار هم میتوان و باید برای آزادی عزیزان به گروگان گرفته شده وسیعا به میدان آمد. با تجمع در مقابل دادگاه های فرمایشی و زندانهای جمهوری اسلامی، خواهان آزادی عزیزان در بند بشوید. با امضا تومار در ابعاد وسیع و در همه محلات شهر و مراکز کار باید ضمن حمایت از این عزیزان دستگیر شده و طرح خواست آزادی بدون قید و شرط آنها، عکس و پوستر آنها را به عنوان رهبران لایق جامعه به همه معرفی کرد. در دیوار شهر و همه مراکز پر جمعیت میتوان با عکس و پوستر این عزیزان و خواست آزادی همه فعالین کارگری و زندانیان سیاسی تزئین شود. کارگران در مراکز مختلف

بزرگتری سازمان دهند و در مراکز کارگری و محلات مردم هرچه بیشتری مطلع شوند و در اعتراضات شرکت کنند. میتوان کمیته های حمایت از کارگران زندانی سازمان داد برای مطلع کردن و تشویق تعداد هرچه بیشتری از مردم سنندج برای شرکت در تجمعات اعتراضی. یکصدا

عدم پرداخت ۶ ماه از حقوقشان دست به اعتصابی ۲۴ ساعته زدند. در ادامه این خبر آمده است که جعفری مدیر این کارخانه ضمن تکذیب اعتصاب کارگران گفت: مشکل کوچکی بود که در صحبت با کارکنان حل شد و قرار شد حقوق معوقه آنان به صورت هفتگی پرداخت شود. وی نپرداختن ۶ ماه حقوق را تأیید نکرد و گفت: تنها ۴ ماه از حقوق کارگران پرداخت نشده که طبق توافقی که صورت گرفت قرار شد در ۴ هفته حقوق معوقه ۴ ماه پرداخت شود.

### کارگران نساجی مازندران اعتراض به عدم پرداخت ۱۳ ماه حقوق

۳۰۰ نفر از کارگران کارخانه نساجی مازندران و کارخانه نساجی



## حاد شدن دعوای غرب و جمهوری اسلامی

در باره ابعاد و دامنه این تنش می پرسیم .

**مصطفی صابر:** این همانطور که گفتید تنها یک نمونه است. همین دیروز (دوشنبه گذشته) نمونه های دیگری بود. مثلاً دادن حکم اعدام به "امیر حکمتی" جوانی که به اتهام جاسوسی برای آمریکا دستگیر کرده اند. یا مانور نظامی در شرق ایران نزدیک مرز افغانستان. اما نمونه ها زیادتر است. برای مثال جنگ لفظی اخیر در مورد بستن تنگه هرمز، مانور نظامی جمهوری اسلامی و هشدارهای شدید آمریکا که این خط قرمز است و بعد کوتاه آمدن جمهوری اسلامی. اما این دعوها در واقع بعد از تحریم بانک مرکزی جمهوری اسلامی و تصمیم غرب برای تحریم نفت ایران شدت گرفته است. خوب این اقدامات اقتصاد جمهوری اسلامی را کاملاً فلج میکند و بطور جدی جمهوری اسلامی را زمین میزند. در نتیجه دعوای بسیار جدی است و میشود گفت بطور قطع یک کشمکش تعیین کننده بین جمهوری اسلامی و غرب شروع شده است...

**حمید حق شناس:** این دعوای که کجا می انجامد؟ آیا جنگ و درگیری نظامی در دستور است؟

**مصطفی صابر:** جنگ یا درگیری نظامی غیر ممکن نیست. البته در دستور هم نیست. اما اینها تا به دندان مسلح اند و ممکن است یک جایی هم جنگ شود. ولی مساله غرب راه انداختن جنگ نیست و جمهوری اسلامی هم روشن است که

بازنده خواهد بود و فکر خودکشی نیست. بلکه فکر بقا است. ولی مساله ای که اتفاق افتاده و البته خیلی جدی است، این است که غرب تصمیم گرفته جمهوری اسلامی را به زانو درآورد. تصمیم گرفته سازش و عقب نشینی به آن تحمیل کند. دنبال این نیست که مثلاً سرنگونش کند و یا رژیم چنج کند. (چیزی که دوره اش گذشته است.) بلکه میخواهد فشار را آنقدر زیاد کند تا جمهوری اسلامی جام زهر را سر بکشد.

**حمید حق شناس:** منظورتان از سرکشیدن جام زهر در این رابطه چیست؟

**مصطفی صابر:** غرب میخواهد یک توازن و تعادل قوای جدید به جمهوری اسلامی را تحمیل کند. اوضاع منطقه بعد از انقلابات اخیر، اوضاع سوریه و عراق و معادلات منطقه ای طوری هست که غرب میخواهد جمهوری اسلامی را به سرفرو آوردن در مقابل غرب وادارد. بطور مشخص غرب میخواهد محور ایران، سوریه، حماس و حزب الله در خاورمیانه و اسلام سیاسی نوع جمهوری اسلامی را که تحت انقلابات اخیر تضعیف شده است را کاملاً مهار کند و به تمکین و سازش بکشاند. غرب نگران این هست که در ایران با یک انفجار و انقلاب روبرو شود و تحولات فراتر از آنچه که غرب مایل است برود و در نتیجه میخواهد ابتکار عمل در تغییر و تحولات را داشته باشد، و جمهوری اسلامی را رام کند و منطقه را اداره کند. از

آنطرف هم جمهوری اسلامی برای بقا میجنگد. همانطور که گفتم مساله این است که جمهوری اسلامی یکبار دیگر جام زهر سر بکشد...

**حمید حق شناس:** فکر میکنید آیا جمهوری اسلامی کوتاه خواهد آمد؟ آیا جام زهر را سر خواهد کشید؟

**مصطفی صابر:** جمهوری اسلامی در موقعیتی نیست که زمان خیزی بود و میتوانست جام زهر سر بکشد و بماند. هرچند همانوقت هم با کشتار وحشیانه زندانیان توانست به حیات خود ادامه بدهد. آن دوره بهرحال تمام شده است. الان سازش با غرب و کوتاه آمدن از سیاست های معمول برای جمهوری اسلامی بسیار مخاطره آمیز است و نمی تواند باقی بماند. چون همین درجه از انسجام ایدئولوژیک و سیاسی هم که دارد از دست میدهد و وارد پروسه ای میشود که قطعاً به پایان جمهوری اسلامی منجر میشود. بخصوص که مردم سرش میریزند و به گور می سپارندش. جمهوری اسلامی میدانند که اوضاع آنطور که غرب فکر میکند پیش نمی رود و استحاله جمهوری اسلامی از بالا ممکن نیست. خامنه ای بخوبی میدانند چه نفرت و چه پتانسیلی انقلابی علیه کل رژیم اش وجود دارد. اما از آنطرف روشن است که جمهوری اسلامی به این وضع هم نمی تواند ادامه دهد و تحت فشارهای اقتصادی که الان هست و با توجه به اینکه مردم ایران هر آن مترصد هستند که سر حکومت بریزند موقعیت اش بسیار مخاطره آمیز

۸۸ " جشن گرفته" و بر علیه دار و دسته های وابسته به رفسنجانی شعار می دهند. رفسنجانی دانشگاه آزاد را فعلاً به نفع ریاستش بر مجمع تشخیص مصلحت نظام" باخت. لازم به توضیح است که در هفته های اخیر شیاعانی در مورد امکان عدم تمسید ریاست رفسنجانی بر مجمع تشخیص مصلحت نظام از سوی دار و دسته های خامنه ای پخش شده است که بسیار محتمل نظر میرسد. اما این رشته ای است که هنوز سر دراز دارد و به این سادگی قابل پایان دادن نیست.\*

## جنگ در سنگر دانشگاه آزاد

از صفحه ۱۰

اند. روبرویی باندها و دار و دسته های حکومتی حاضر در هیات امنای دانشگاه آزاد، بخش دیگری از اختلافات باندهای حکومتی، بویژه رفسنجانی و خامنه ای در این باره و تلاش باند خامنه ای برای حذف رفسنجانی و دار و دسته اش از یک ارگان مهم و پردرآمد حکومتی دیگر است که به نفع باند خامنه ای ظاهراً قیصله یافته است. هواداران خامنه ای موفق شدند با این کارشان

اند. روبرویی باندها و دار و دسته های حکومتی حاضر در هیات امنای دانشگاه آزاد، بخش دیگری از اختلافات باندهای حکومتی، بویژه رفسنجانی و خامنه ای در این باره و تلاش باند خامنه ای برای حذف رفسنجانی و دار و دسته اش از یک ارگان مهم و پردرآمد حکومتی دیگر است که به نفع باند خامنه ای ظاهراً قیصله یافته است. هواداران خامنه ای موفق شدند با این کارشان

## زنده باد سوسیالیسم!

است. ابدا چشم انداز بقا ندارد .  
**حمید حق شناس:** در این اوضاع مردم ایران بنظر شما چه باید بکنند؟  
**مصطفی صابر:** مردم باید امر خودشان را به پیش ببرند. این اوضاع مخاطرات و مشقات زیادی برای مردم بوجود آورده است. حالا احتمال جنگ به کنار (که گفتم ضعیف است) همین تحریم های اقتصادی و ورشکستگی اقتصادی جمهوری اسلامی اوضاع بسیار وخیمی برای مردم بوجود آورده است. از سوی دیگر فشار غرب بر جمهوری اسلامی و انزوای بین المللی و شکنندگی جمهوری اسلامی برای مردم فرصتی است تا به میدان بیایند و شر جمهوری اسلامی را بکنند. دوتا

**شماره حساب و تلفن تماس برای کمک مالی**  
کمک مالی خود را میتوانی آنلاین از هر جای دنیا با مراجعه به سایت زیر (از طریق paypal) ارسال کنی. لطفاً قید کنی که کمک ارسالی شما برای کانال جدید است:

<http://www.countmein-iran.com>

### سوئد:

Sweden, Post Giro: 639 60 60-3  
account holder: IKK

برای کمک مالی به کانال جدید در سوئد همچنین میتوانی با فواد روشن با شماره تلفن ۰۷۰۸۲۷۱۴۵۳ تماس بگیری، تا با دادن شماره حساب خود اتوماتیک هر مقدار که مایل باشی از حساب شما برداشته شود.

### آلمان:

583657502 Germany, Rosa Mai, Konto. Nr.:  
Bankleitzahl: 37010050, Post Bank

### کانادا:

, Scotiabank Canada, ICRC  
Dixie Rd, Mississauga, L4W 2R1 4900  
Account #: 84392 00269 13

### هلند:

Bank: RABOBANK, Darande hesab: FVIVN  
Shomare hesab: 15 13 50 248  
Adres: EINDHOVEN  
IBAN No: NL74 RABO 0151 350 248

### آمریکا:

Bank of America  
277 G Street, Blaine, Wa 98230  
phone # 1-360-332-5711, Masoud Azarnoush  
Account number : 99 - 41581083  
wire: ABA routing # 026009593  
swift code : BOFAUS3N

شماره حساب انگلیس ویژه کمک از انگلیس و از هر کشور دیگر:

England, Account nr. 45477981  
sort code: 60-24-23, account holder: WPI  
, Bank: NatWest branch: Wood Green  
81 4779 IBAN: GB77 NWBK 6024 2345  
NWBK GB 2L BIC:

سوالی دارید میتوانی با شماره های زیر تماس بگیری:

از اروپا: سیامک بهاری: ۰۰۴۶۷۳۹۸۶۸۰۵۱

کانادا و آمریکا: فاتح بهرامی: ۰۰۱۴۱۶۷۲۹۷۲۵۷

مصطفی صابر: ۰۰۱۶۰۴۷۳۰۵۵۶۶

از ایران: عبیل گلپریان ۰۰۳۵۸۴۰۵۷۵۸۲۵۰

## کابوس "انتخابات"

شهاب بهرامی



محمد باقر الفت رئیس کل داد گستری خوزستان در اولین جلسه شورای پیشگیری از وقوع جرم در این استان گفت: "پیش بینی مسئولان قضائی این است که حجم پرونده های ورودی به دستگاه قضائی تا پایان سال ۹۰ به ۱۵ میلیون پرونده برسد و این به معنای آنست که حداقل ۳۰ میلیون نفر از مردم ما درگیر موضوعات قضائی خواهند شد...". او از اعضای این شورا خواست "تا صرف نظر از جایگاه و توان تاثیر گذاری خود در این زمینه با نگاه ویژه به امر پیشگیری توجه کنند" و راه حل کاهش جرایم را اینگونه بیان کرد: "ایجاد پیاده رویهای مجزا با خیابانها و افزایش روشنائی معابر و... به کاهش وقوع جرایم کمک میکند!" اما شاه بیت سخنان این مقام دادگستری درباره انتخابات مجلس اسلامی است: "از جرایمی که این روزها جامعه را (بخوان جمهوری اسلامی را) تهدید می کند جرایم و تخلفات انتخابی است و طبق ماده ۶۷ قانون انتخابات، وظیفه دستگاه قضائی در انتخابات، پیشگیری از وقوع جرایم است..." مدیر کل امنیتی استان خوزستان

## جنگ در سنگر دانشگاه آزاد

محمد شکوهی

بعد از مدت‌ها کشمکش و یاریگری در مورد تعیین وضعیت ریاست دانشگاه آزاد، روز ۲۱ دی جلسه هیات امنای دانشگاه آزاد به ریاست رفسنجانی برگزار گردید. بر اساس صورت جلسه های قبلی هیات امنای قرار بود که کاندیداهایی که اعلام آمادگی برای ریاست دانشگاه آزاد را کرده اند، طرح هایشان را برای جلسه ۲۱ دی آماده کرده تا جلسه هیات امنای در مورد تعیین وضعیت ریاست دانشگاه آزاد، تصمیم بگیرد. روز چهارشنبه جلسه هیات امنای دانشگاه آزاد به ریاست رفسنجانی برگزار گردید. در پایان جلسه محمد محمدیان عضو هیات امنای دانشگاه آزاد و رئیس نهاد نمایندگی خامنه ای در دانشگاهها اعلام کرد: "که فرهاد دانشجو برادر کامران دانشجو وزیر علوم با دریافت ۵ رای موافق از ۹ رای به عنوان رئیس پیشنهادی

اعضای فعلی مجلس که توسط هیئت اجرایی منتخب دولت (و نه شورای نگهبان) کنار گذاشته شده اند، را انتشار دادند. در صدر این لیست نام افرادی چون علی مطهری و قدرت علیخانی که از مخالفان سرسخت دولت و احمدی نژاد بوده اند، به چشم می خورد.

خامنه ای رهبر نظام نیز اعلام کرد: حضور مردم در انتخابات، دشمن شکن خواهد بود. برای تکمیل این اخبار می توان تصویری که در سایت های خبری منتشر شده، قرار داد. در این تصویر دهها آخوند رده بالای رژیم را قرار داد که در حال تمرین تیراندازی با سلاح های مختلف هستند. و برای تکمیل این خبر سخنان داوود احمدی نژاد برادر بزرگ رئیس جمهور اسلامی را یادآور شد که در ماههای گذشته ضمن حمله به مشاورین برادرش اعلام کرد که طرفداران محمود احمدی نژاد در جنگلهای شمال آموزش نظامی می بینند.

اینان نه راه پس دارند، نه راه پیش، جنگ آخرشان است و این جنگ را باید از خود و با خود شروع کنند. احمدی نژاد ظاهرا پیش دستی کرده و از طریق هیئت اجرایی انتخابات که دولتی است حدود ۴۰ نفر از نمایندگان مجلس فعلی را که از طرفداران خامنه ای و کاندید

قدرت" که در رده های بالای حکومت نفوذ دارند با کمک مقامات بالای نظام طرح و نقشه شان را عملی کردند. جاسبی در توضیح این اقدام "غیرقانونی" طرف مقابل می گوید: یکی از پیشنهادهایی که برای به نتیجه رسیدن تکلیف ریاست جدید دانشگاه آزاد داده شده بود این بود که اعضا موافقت کنند وی استعفا دهد و رئیس هیئت امنای سرپرستی را برای ریاست تعیین کند تا براساس آیین نامه ۳ ماه فرصت باشد و در این فاصله یک نفر مشخص شود. که این پیشنهاد مورد موافقت قرار نگرفت. وی در ادامه در باره برخورد رفسنجانی به نحوه و شیوه رای گیری برای تعیین ریاست دانشگاه گفت: "رفسنجانی مخالفت خود را با این رای گیری اعلام کرده و خاطر نشان کرد که باید سایر گزینهها هم مطرح شود که این سخن رفسنجانی با مخالفت جمعی از اهیئت امنای روبرو شد و همین مسائل منجر به متشنج شدن جو

تعداد نمایندگان از هر جناح به توافقاتی برسند و مسئله را طوری فیصله دهند که شکافی ایجاد نشود و مردم را به خیابان نکشاند. انتخابات ریاست جمهوری و اهمیت و وزنه آن اما برای هر دو جناح صد چندان بود برای مثال اگر خامنه ای و جناح هوادارش غافلگیر نمی شدند که خاتمی بجای ناطق نوری رئیس جمهور می شود حتما بر علیه او و دوم خرداد کودتا می کردند. در انتخابات سال ۸۸ دیدیم که چگونه احمدی نژاد را به پالان ریاست جمهوری مفتخر گردانیدند. امروز سناریوها تغییر کرده و جایگاه مجلس و رئیس دولت از منظر ادامه حیات رژیم، جا بجا گشته است.

بهررو تمرین تیراندازی باند خامنه ای و آموزش نظامی دار و دسته احمدی نژاد فقط بخاطر افتادن بجان یکدیگر نیست، بلکه وحشت از شورش مردم در پیچ بعدی است. ممکن است توازن قوا و هراس از سرنگونی این دو باند جنایتکار را ناچار به یک سازش موقت کند، اما می دانند که با مردم نخواهند توانست به هیچ سازی برسند. این امر را می توان مهمترین عامل در انتخابات و دعوای انتخاباتی جناحهای رژیم دانست.\*

گرفت." در واکنشی دیگر فرهاد دانشجو رئیس پیشنهادی دانشگاه آزاد گفته است: "اکثریت اعضا معتقد بودند که نیازی برای این تاخیر نمی بینند لذا بر اساس اعلام رئیس جلسه ای که از سوی شورای عالی انقلاب فرهنگی تعیین شده بود، یعنی وزیر علوم، گرفتن رأی تصویب شد لذا قبل از نماز مغرب و عشاء رای گیری صورت گرفت و نتیجه رای گیری را حاج آقا محمدیان اعلام کرد."

روشن است که نزاع جدی و حاد بوده و رفسنجانی و هواداران، بویژه جاسبی که ریاست این دانشگاه را بر عهده داشته است، در یک جنگ و کشاکش میان باندهای بانفوذ رژیم، در عمل بازنده شده

صفحه ۹



## به سازمانهای کارگری و نهادهای انساندوست در سراسر جهان



### کمپین برای آزادی کارگران زندانی

shahla\_daneshfar@yahoo.com  
00447779898968

شهرلا دانشفر

بهرام سروش

bahram.soroush@gmail.com  
0044-7852 338334

<http://free-them-now.blogspot.com/p/>

۱۸ دی ۹۰، ۸ ژانویه ۲۰۱۲

پشتیبانی جهانی را داریم.

کمپین برای آزادی کارگران زندانی

هفت تپه، بهنام ابراهیم زاده عضو کمیته پیگیری برای ایجاد تشکل های کارگری و رسول بدآغی عضو کانون صنفی معلمان در زنداند. همه کارگران زندانی و همه زندانیان سیاسی بابد فوراً و بدون قید و شرط آزاد شوند.

کمپین برای آزادی کارگران زندانی

۱۶ دی ۹۰، ۶ ژانویه ۲۰۱۲

جمله درس های این مبارزه برای کل طبقه کارگر است.

این موفقیت در عین حال نشان داد که میتوان جمهوری اسلامی را در کلیه مراکز کارگری به عقب راند. باید خواست های خود را همه جا به پیش کشید و با اعتراضات و اعتصابات متحد و یکپارچه به دولت و کارفرماها تحمیل کرد.

حزب کمونیست کارگری ایران

۱۹ دی ۱۳۹۰، ۹ ژانویه ۲۰۱۱

### کاترین اشتون، مسئول سیاست خارجی اتحادیه اروپا

صرفاً ارسال گاه و بیگاه نامه های اعتراضی که در عمل نیز تاثیر زیادی ندارد.

با احترام مینا احدی از کمیته بین المللی علیه اعدام

۱۱ ژانویه ۲۰۱۲

تماس: ۰۰۴۹۱۷۷۵۶۹۲۴۱۳

minaahadi@aol.com

سفارتخانه های این حکومت در کشورهای اروپای در اعتراض به اعدام صدها نفر شهروند معترض ایرانی، به یاری محکومین به اعدام و به یاری مردم منجز از حکومت اسلامی شتافته و نشان دهید که واقعا نجات جان زانیار و منتقدین به اسلام و دفاع از آزادی بیان و حرمت انسانی افراد امر شما است و نه

کارگران و مردم ایران امروز نیاز به بیشترین حمایت جهانی را دارند. ما از همه سازمانهای کارگری و نهادهای انساندوست در سراسر جهان انتظار داریم که انزجار خود را نسبت به این دستگیری ها و فشار مستمر جمهوری اسلامی بر روی فعالین کارگری و فعالین سیاسی معترض در ایران اعلام کنند. ما همچنین از همه این سازمانها انتظار داریم که به هر شکل که میتوانند حمایت و پشتیبانی خود را از کارگران زندانی و فعالین سیاسی در ایران اعلام دارند. خواست ما آزادی فوری همه کارگران و همه زندانیان سیاسی از زندان و متوقف شدن فوری فشار و تهدید بر روی رهبران کارگران و فعالین سیاسی است و انتظار بیشترین حمایت و

فیروز کوه بسر میبرد و از نحوه و علت بازداشت وی اطلاع دقیقی در دست نیست.

با تمام قوا به احضار و دستگیری فعالین کارگری اعتراض کنیم. محمد حسینی باید فوراً از زندان آزاد شود.

جمهوری اسلامی کارگران را بخاطر مبارزاتشان دستگیر و

بیمارستان نیز به وی همچون زندانی برخورد میشود و حتی به راحتی امکان ملاقات خانواده اش را ندارد، نامه ای داده و اعلام کرده است که تا وقتی که فشارها از روی وی برداشته نشود، اجازه شروع معالجاتش را نخواهد داد. این درحالیست که خطر فلج شدن وی را تهدید میکند. علاوه بر این کارگران، ابراهیم مددی یکی دیگر از اعضای هیات مدیره سندیکای واحد، بهنام ابراهیم زاده عضو کمیته پیگیری برای ایجاد تشکلهای کارگری و رسول بدآغی عضو کانون صنفی معلمان در زنداند. و بسیاری از فعالین دانشجویی و بخش های مختلف جامعه بخاطر اعتراضات برحق خود در زندانهای جمهوری اسلامی بسر میبرند.

به اطلاع میرسانیم که در دو هفته اخیر بار دیگر شاهد تشدید فشارهای جمهوری اسلامی بر روی فعالین کارگری در ایران هستیم. از جمله امروز ۸ ژانویه ساعت ۹ صبح شریف ساعد پناه از فعالین کارگری در شهر سنندج و عضو هیات مدیره اتحادیه آزاد کارگران ایران، ۵ ژانویه مظفر صالح نیا یکی دیگر از اعضای اتحادیه آزاد در شهر سنندج و دو هفته قبل محمد حسینی از فعالین شهر دماوند دستگیر شدند. از سوی دیگر رضا شهابی عضو هیات مدیره سندیکای واحد که بخاطر ادامه بازداشت و وضعیت وخیم جسمانی اش در زندان، ده روز تمام دست به اعتصاب غذا زده بود، اکنون در بیمارستان به سر میبرد. او بدلیل اینکه در

### محمد حسینی از فعالین کارگری در دماوند

#### بازداشت شد

مامورین اطلاعات جمهوری اسلامی قرار میگیرد. بنا بر این گزارش قرار بوده که محمد در روزهای ۱۶ یا ۱۷ دی در دادگاه جمهوری اسلامی مورد بازجویی قرار گیرد. او هم اکنون در زندان

بنا بر گزارش منتشر شده از سوی انجمن صنفی کارگران برق و فلزکار کرمانشاه محمد حسینی از فعالین کارگری در شهر دماوند، دو هفته قبل در محل کارش بازداشت و سپس منزل وی مورد تفتیش

### هزاران کارگر پتروشیمی های ماهشهر به پیروزی نسبی رسیدند

دستمزد کارگران افزایش یافت. با برخی دیگر از مطالبات آنان نیز موافقت شد

کارگران ایران، پس از اینکه کارگران پتروشیمی های ماهشهر تهدید به اعتصاب و تجمعات اعتراضی مجدد کرده و تا بیستم دیماه به مدیریت مهلت دادند، سرانجام روز ۱۸ دیماه طی مذاکرات نمایندگان کارگران شرکت های پیمانکاری پتروشیمی های ماهشهر با رئیس پتروشیمی های ماهشهر و رئیس اداره کار این شهر، گوشه ای از خواست های بحق کارگران پذیرفته شد. صدهزار تومان به دستمزد اکثر کارگران و بین ۵۰ تا ۷۰ هزار تومان به کارگرانی که دستمزد پایه آنها از ۶۰۰ هزار تومان بیشتر است اضافه شد. همچنین قرار شد که کارگران قبل از پایان سال جاری مشمول حق جذب، حق بدی آب و هوا، استفاده از بیمارستان صنایع پتروشیمی و

پس از ده ماه کشمکش و اعتراض و اعتصاب، هزاران کارگر پتروشیمی های ماهشهر دولت و مدیران را وادار به قبول بخشی از مطالبات خود کردند و به یک موفقیت نسبی دست یافتند. این پیروزی حاصل عزم و اتحاد کارگران، دو اعتصاب طولانی و قدرتمند، تهدید به اعتصاب بزرگ و متحدانه دیگر در روزهای اخیر، توهم نداشتن به قول و قرارهای مسئولین و هوشیاری و جسارت رهبران کارگران است. کارگران هنوز به همه خواست های خود دست نیافته اند اما این مبارزه تا همینجا یک پیروزی مهم برای کارگران محسوب میشود و درس های بزرگی برای کل طبقه کارگر ایران دارد.

طبق گزارش اتحادیه آزاد

# زندانی سیاسی آزاد باید گردد!



اعدامها مخفیانه انجام میشود.

کمپین بین المللی حقوق بشر در این روزها خبر اعدام مخفیانه صدها نفر در زندان عادل آباد شیراز را منتشر کرده و اسامی ۱۰۱ نفر از آنها را علنی کرد. این اعدامها دسته جمعی بوده و محکومین به اعدام از قبل حتی اجازه خداحافظی با عزیزان خود را نداشته اند. ساعتی قبل از اجرای حکم به آنها گفته اند وصیت نامه نوشته و غسل کنند. یکرور قبل از اجرای حکم اعدام، جواز دفن همه آنها صادر شده بود و روی آن نوشته بودند "قتل قانونی". این حکومت اسلامی ایران است!

سال گذشته عفو بین الملل اجرای احکام اعدام ۲۵۲ نفر را در سال ۲۰۱۱ در ایران را تأیید کرد و اعلام کرد که ۳۰۰ مورد اعدام مخفیانه بوده که گزارشات موثقی از این اعدامها در دسترس دارد.

**خانم اشتون!**

همانگونه که ملاحظه میکنید ما با یک دستگاه جنایت و سببیت اسلامی سرو کار داریم که با نامه های اعتراضی نظیر نامه شما، تغییری در رفتار ایجاد نمیشود. اینرا سالهای سال است که تجربه میکنید.

کمیته بین المللی علیه اعدام از شما میخواهد که با تأکید بر سیاست منزوی کردن این حکومت، با اعتراض جدی و با بستن

صفحه ۱۱

اگر در سال ۲۰۱۱ روزانه دو نفر اعدام شدند، این بار حکومت سال ۲۰۱۲ با اعدام سه نفر در یک روز آغاز کرده است.

در ۱۰ روز گذشته این اخبار از زندانهای ایران رسید:

در اولین روزهای سال ۲۰۱۲ صلاح رشیدی در زندان زنجان اعدام شد.

روز سه شنبه ۳ ژانویه دو نفر در زندان اراک اعدام شدند.

چهارشنبه ۴ ژانویه در زندان مرکزی زنجان پنج نفر اعدام شدند. اسامی آنها اعلام نشده اما جرائم آنها مواد مخدر اعلام شده است.

چهارشنبه ۴ ماه ژانویه یک نفر در زندان سمنان اعدام شد. پنجشنبه ۵ ژانویه زندانی ۵۳ ساله به اسم نظرعلی مرادی در زندان خورن ورامین بدلیل اتهام داشتن ۲۱۵ گرم هروئین و یک کیلو تریاک اعدام شد. همزمان با این اعدام هشت نفر دیگر در زندانهای ایران اعدام شدند. سه نفر در کرمانشاه در ملا عام اعدام شدند. این افراد که اسامی آنها علیرضا احمدی فرزند خداداد ۴۸ ساله، صادق اسکندری فرزند ولی ۳۳ ساله و ساسان بسامی فرزند جهانگیر ۳۶ ساله اعلام شده به جرم "سرقت مسلحانه بانک سپه کرمانشاه" در مرداد ماه، به اعدام محکوم شده بودند.

همزمان پنج زندانی در زندانهای کرمان و بم به دار آویخته شدند.

شنبه هفت ژانویه یک نفر در ملا عام در روستایی در اطراف گچساران اعدام شد.

چهارشنبه ۱۱ ژانویه دو نفر در اولین اعدام شدند... این آمار در واقعیت باز هم بیشتر است و برخی از

حکومت اسلامی اعلام کرده است که سایتهای این افراد "مستهلج و ضد دین" بوده است. سعید ملک پور شهروند کاندایی- ایرانی نیز قبلا به همین اتهامات به اعدام محکوم شده و اکنون حکم وی در دادگاه عالی حکومت اسلامی است.

یعنی انتقاد به اسلام و دین و داشتن یک سایت باعث میشود افراد در ایران به پای چوبه دار بروند. البته طبق قانون حکومت اسلامی ارتداد و دست کشیدن از اسلام با مرگ پاسخ داده میشود.

**خانم اشتون!**

جهت اطلاع شما زانیار مرادی جوان ۲۱ ساله ای که ممکنست هر لحظه اعدام شود، با بیرون از زندان تماس گرفته و از دنیا میخواهد نگذارند او را بکشند. تصور کنید جوان ۲۱ ساله ای که دو سال است زیر شکنجه و رفتار وحشیانه مشتاق قاتل اسیراست و هر لحظه ممکنست همراه پسر عمویش اعدام شوند، چه احساسی دارد؟ زانیار از دنیا انتظار دارد که به جنایات و این فجایع اعتراض کنند.

زانیار در یک نامه شرح شکنجه ها و تهدید به تجاوز جنسی به خودش از سوی بازجویان اسلامی را نوشته و اکنون ممکن است هر لحظه در ملا عام به همراه پسر عمویش لقمان مرادی ۲۵ ساله اعدام شوند. خانواده این دو زندانی از دنیا خواسته اند کمک کنند فرزندان آنها نجات یابند.

پرونده سازی وقیحانه حکومت اسلامی علیه امیر میرزایی حکمتی و خطر اجرای حکم اعدام فوری این جوان امریکایی- ایرانی یکی دیگر از این پرونده ها است. امیر میرزایی حکمتی امریکایی ایرانی تبار را "مفسد فی الارض" نام نهاده و محکوم به اعدام کردند. خانواده او میگویند این جوان ۲۵ ساله که متولد امریکا است برای دیدار با مادر بزرگ خود به ایران رفته بود و اکنون در خطر اجرای حکم اعدام است. طبعاً او را همانند بقیه زندانیان شکنجه کرده و وادار کردند در تلویزیون حکومت اسلامی علیه خود اعتراف کند، همانگونه که سکیته را به اعتراف وادار کردند. به آمار اعدامها توجه کنید!

## کترین اشتون، مسئول سیاست خارجی اتحادیه اروپا

افغانستانی رفتار وحشیانه با آنها البته در پرونده سیاه حکومت جنایتکار اسلامی ثبت شده است و صدها نفر از شهروندان افغانستانی در ایران مخفیانه اعدام شده اند.

**اعدام فعالین سیاسی کماکان در دستور کار حکومت اسلامی است.**

از جمله آخرین اخبار اعدامها در ایران پرونده سازی علیه سه فعال سیاسی از کردستان و احتمال محکومیت این سه نفر به اعدام است. چنگیز قدم خیر، شورش رضایی و فردین فرجی که در سال ۲۰۱۱ دستگیر شده اند با پرونده سازی در معرض اعدام حکم اعدام هستند. این سه نفر جهت اطلاع شما با شکنجه و ارباب مجبور به اعتراف در پرس تی وی شدند. پرس تی وی تلویزیون جمهوری اسلامی ایران در لندن است که در پرونده سکیته محمدی آشتیانی نیز بسیار وقیح و فعال بود و با سکیته محمدی آشتیانی و فرزندش یک برنامه تلویزیونی تهیه کرد و به آنها قول دادند که بعد از نمایش این فیلم ساختگی که اعتراف علیه خود کردند، آزاد میشوند. این تلویزیون بخشی از دستگاه شکنجه و اعدام و زندان جمهوری اسلامی است و برخی از خبرنگارانش بازوهای حرفه ایی حکومت اسلامی هستند.

**انتقاد به اسلام با حکم مرگ پاسخ میگیرد.**

اکنون پنج نفر متهمین به یک پرونده به اسم "ضالین ۳" در دادگاههای حکومت اسلامی هستند که تا کنون دو نفر از آنها به اعدام محکوم شده اند.

وحید اصغری ۲۵ ساله به اتهام داشتن سایت منتقد دین و اسلام به اعدام محکوم شد.

احمدرضا هاشم پور به اتهام داشتن سایت ضد دین و بقول جمهوری اسلامی "مستهلج" به اعدام محکوم شد. او چهل سال سن دارد و دارای تحصیلات دکترا است. حکم اعدام در دیوان عالی حکومت اسلامی امروز چهارشنبه ۱۱ ژانویه تأیید شده است.

منتقدین به مذهب اسلام، فعالین سیاسی و معتادین به مواد مخدر، روزانه در ایران اعدام میشود و حکومت اسلامی ایران آمار قتل عمد را در همین اولین روزهای سال ۲۰۱۲ به روزانه سه نفر "ارتقا" داده است. نوشتن نامه اعتراضی کافی نیست. این حکومت جنایت و ترور باید در سطح بین المللی کاملاً منزوی شود. مقامات این رژیم را از مجامع بین المللی اخراج کنید. سفارتخانه های حکومت اسلامی را به جرم جنایت علیه بشریت و اعدامهای وحشیانه ببندید!

امروز صبح چهارشنبه ۱۱ ماه ژانویه ۲۰۱۲ در زندان اوین دو جوان اعدام شدند. اسم یک اعدامی فضل الله اعلام شده و جرم او تجاوز به دختران و دومی با نام کوچک جلال معرفی شده که جرمش از طرف رژیم اسلامی چنین عنوان شده: جلال قصد ازدواج با دختری به اسم فریبا را داشته ولی بعداً او به تجاوز کرده و سپس فریبا بدلیل این تجاوز خودکشی کرده است. امروز زندان اوین شاهد اعدام این دو نفر بود. البته همه میدانند که دادگاههای حکومت اسلامی قرون وسطایی است و همه این اعدامها سیاسی است.

حکومت اسلامی برای زهر چشم گرفتن از مردم، و در آستانه هر انتخابات کذایی و هر تنش سیاسی که در درون خود دارد، تعدادی را وحشیانه قربانی میکند، به این امید که همه را ساکت کند.

سال ۲۰۱۲ در ایران با رنج و خون آغاز شد چرا که حکومت اسلامی از همیشه بیشتر بهم ریخته است و از همیشه بیشتر از مردم وحشت دارد. اعدام دو جوان در اوین در روز چهارشنبه ۱۱ ژانویه البته اولین مورد اعدام در اوین در سال ۲۰۱۲ نیست. در اولین روزهای سال نو خبر از اوین رسید که مخفیانه ۲۲ نفر را اعدام کرده اند.

همزمان با خبر قتل دو نفر در اوین، خبر رسید که دستگاه جنایت حکومت اسلامی یعنی قوه قضاییه این حکومت در یک بیدادگاه همین امروز در ایران دو شهروند ایرانی- افغانستانی را به اعدام محکوم کرد. اعدام شهروندان ایرانی -

## انترناسیونال

**نشریه حزب کمونیست کارگری**

**سردبیر: کاظم نیکخواه**

**kazem.nikkhah@gmail.com**

**دستیار سردبیر: شهاب دانشفر**

**هماهنگ کننده صفحه بازتاب: بهروز مهرآبادی**

**ای میل: anternasional@yahoo.com**

**انترناسیونال هر هفته روز جمعه منتشر میشود**

**مرگ بر جمهوری اسلامی! زنده باد جمهوری سوسیالیستی!**